

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



فاجعه جدید در فیضیه! اتفاق مدرسه فیضیه موجب تاسف بود

صفحه ۳

سال سی و نهم • شماره ۱۰ • شماره مسلسل ۱۵۷۶ • نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۹۷ • قیمت: ۵۰۰ تومان



درخواست آیت الله از آیت الله

صفحه ۵



حدیث تقریب

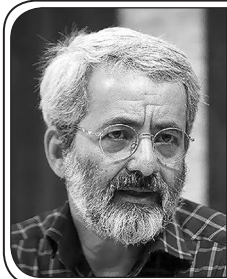
امت اسلامی معاصر بین عزت و ذلت

صفحه ۷



احمد راسم نفیس مدافع اهل بیت در مصر

صفحه ۶



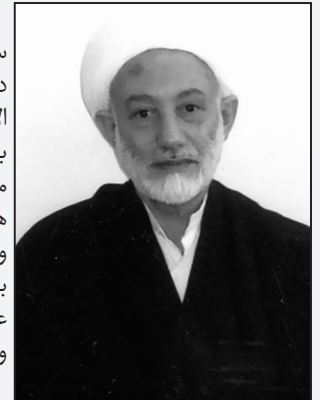
سلیمی نمین در نشست علمی
کودتای ۲۸ مرداد:

دعوی کاذب مصدق - کاشانی و مسئله ۲۸ مرداد

صفحه ۲

در فراق عالمی روشن اندیش

سید محمد ثقفی



دقیقاً همان روزهای تیرماه بود که در سال گذشته دوستی از تبریز تلفن زد که دوستی از تبار عالمان، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج احمد غروی بدرود حیات گفت. امسال نیز در همان ماه البته با چند روزی زودتر یا دیرتر، باز همان دوست زنگ زد که دوستی ارزشمند و فرزانه ای دیگر از تبار راستگویان، در بیمارستان بدرود حیات گفت و البته در عرض چند ساعت: علی فرزانه یار دبستان و همسفر راه و همراز زندگی.

این خبر ناگهانی آن چنان منقلب و دگرگونم ساخت که چند لحظه ای در خود فرو رفتم و به خود گفتم، آری مرگ، بزرگ و کوچک نمی شناسد و سرانجام همه در کام آن فرو خواهیم رفت... اما مرگ این عزیز با آن دوست قبلی متفاوت بود که با این عمری دراز، از فراز و نشیب روزگار غم و شادی، با هم بوده ایم و چه خاطراتی فراموش نشدنی...

سه یار دبستانی

می گویند عمر خیام، خواجه نظام الملک و حسن صباح در روزگاری، در یک مکتب درس می خواندند و یار دبستانی بودند. نویسنده شرح حال «خواجه نظام الملک» چنین گزارش می دهد:

«عمر خیام مدت چهار سال تمام (۳۸ ۴۳۴) با نظام الملک و حسن صباح در محضر امام موفق نیشابوری کسب فیض می کردند. تا آنکه در پایان تحصیلات (دوره) پیرتر از جوانی از یکدیگر این پیمان را با هم بستند، عهد می کنیم که هر کدام وقتی دولتی مرزوق گردد علی السویه، مشترک باشند و صاحب آن دولت خود را به هیچ وجه ترجیحی ثابت نکنند. چنانکه ۲۲ سال پس از امضای این قرارداد نظام الملک به وزارت آلب ارسلان سلجوقی رسید و از جمله دوستانی که از چهار سوی کشور به دیدارش شتافتند یکی هم عمر خیام بود... و خواجه، هم درس دوران جوانی خود را با مهریانی زیاد پذیرفت.

چون خواجه به قدرت رسید و شان اجتماعی اش بالا آمد، عرق شرف و لقبش کریم و طینت خجسته او را به وفای عهد خود وادار می دارد و در قدرت (سیاسی) خود از یار دبستانی خود، عمر خیام، بی درنگ دعوت می کند که به کار علمی خود بپردازد. خیام بی درنگ به نیشابور رهسپار شد و پس از چند سال رنج و زحمت کتب بی ماندی به نام «جبر و مقابله» را نوشت و به عنوان حق شناسی آن را به نظام الملک تقدیم کرد. خواجه از خواندن کتاب های خیام (یار دیرین) خود بسیار خوش وقت گردید و اثرات وجود خود را در تاریخ علم به یادگار گذاشت.^(۱)

همدوره تحصیلی و یار دبستانی

من و آقای علی فرزانه، از آن ایام نوجوانی و دوران اولیه طلبگی با همدیگر «یار دبستانی» بودیم. در مدرسه طالبیه تبریز، علوم ادبی و اسلامی می خواندیم. اما دقیقاً از آن دوران و اوان زندگی، علی فرزانه استعداد قابل تحسین داشت و استعداد و شایستگی خود را در مراحل تحصیل و کمال یابی نشان می داد.

گرچه من در تبریز با «فرزانه» آشنا شدم، اما شناخت کامل تر همدیگر در مدت طول زمانی حاصل شد که سال ها، با همدیگر زیست علمی و صحبت هم نشینی داشتیم و حلقه دوستان. هم بحثی را تشکیل می دادیم.

من با استاد علی فرزانه، تقریباً هم سن و سال بودم. او متولد ۱۳۲۱ بود و من در سال ۱۳۲۳ چشم به جهان گشوده ام.

جامعه شناسی طبقاتی خاندان های متوسط

یقیناً منظور من از طرح عنوان جامعه شناسی طبقاتی، تفسیر و توضیح جامعه شناسی طبقاتی، مارکسیست ها نیست که هم همه عالم و آدم را با تئوری طبقاتی بر مبنای زیر بنا و روی بنا بر پایه اقتصاد تفسیر می کنند، بلکه منظور جامعه شناسی آموزشی و استعدادیابی فرزندان طبقات متوسط و طبقات مرفه و خوش گذران جامعه است.

معمولاً چون فرزندان خانواده های مرفه از وضع معیشتی و زندگی در حال رفاه و فراهم شدن وسائل مادی زندگی به سر می بردند، چندان علاقه ای به تحصیل کمالات از خود نشان نمی دهند بلکه همواره خود را با نوعی «برتر» بینی و بالاتر از دیگران، معرفی می کنند و «لوس» بار می آیند و تنبل می شوند و ترقی نمی کنند و از حوادث روزگار زیون، بی عرضه، بی لیاقت بار می آیند.

ادامه در صفحه ۴

تحریف چهره جهانی امیرالمومنین (ع) با نوشته های بازاری

ترسیم می کند. جایگاه امیرالمومنین (ع) در علم تفسیر آنچنان است که ابن عباس با همه عظمتش که مفسر بزرگ تاریخ اسلام است در پیشگاه حضرت احساس شاگردی می کند و همین احساس، او را درب خانه امیرالمومنین (ع) میخ کوب می کند. از روز ولادت امیرالمومنین (ع)، ایشان در دامان پیامبر (ص) رشد کرد و دانشی که از سرچشمه وحی بر پیامبر نازل می شد به تدریج به این فرزند بزرگ اسلام منتقل شد.



حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان در گفت و گو با ایکنا؛ به بررسی راهکارهای توسعه فرهنگ علوی در جامعه پرداخت و عنوان کرد: ما در جهت فرهنگ علوی گامی برنداشتیم که برای توسعه آن بحث کنیم و راهکار ارائه بدهیم. فرهنگ علوی در کجای جامعه ما و توسط چه چهره های علمی شناسایی تبیین شده است که ما در جهت توسعه آن گام برداریم؟

وی افزود: احساس حقیر این است که ما در جهت شناخت فرهنگ علوی اشتباه کردیم. فرهنگ علوی را می توانیم از صد و چند جلد تألیف میرحامد حسین نیشابوری هندی، آن عالم سخت کوش و بی نظیر، به دست آوریم و می توانیم از مداحی هایی که در قالب ابتذال و موهن انجام می شود و سیمایی نادرست از امیرالمومنین (ع) به جامعه نشان می دهد به دست بیاوریم.

نوراللهیان ادامه داد: اگر ما فرهنگ علوی را از افرادی که از صدر اسلام تاکنون از این فرهنگ گفته اند و نوشته اند مانند علامه حلی، علامه سیدقاضی نورالله شوشتری و علامه سیدشرف الدین جبل عاملی بگیریم یک نوع فرهنگ سازی اتفاق می افتد. اگر این فرهنگ را از نوشته های بازاری و سخنرانی های بی محتوا برگیریم فرهنگ سازی به شکل دیگری صورت می شود. تفرقه و گسلی که سخنان این افراد در امت اسلامی ایجاد می کند در شکل افراطی خود به شکل داعش و طالبان ظهور پیدا می کند و هر روز یک جمعی را به خاک و خون می کشد.

استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به منابع اصیل در جهت آشنایی با فرهنگ علوی اظهار کرد: ما یک فرهنگی داریم که نهج البلاغه نماینده آن است. اگر بخواهیم فرهنگ علوی را بسط دهیم منابع و مساجد ما باید یک سال کتاب «المراجعات» سیدشرف الدین جبل عاملی را بخوانند. اگر جامعه با بیانات امیرالمومنین (ع) آشنایی پیدا کند این فرهنگ توسعه پیدا می کند و در جامعه جا باز می کند. البته علی بن ابی طالب (ع) بزرگتر از این حرف هاست و میلیون ها قلب را متوجه خود کرده است. بشریت در پیشگاه این انسان بزرگ احساس دین کرده است. بسیاری از شخصیت هایی که آشنایی با اسلام نداشتند وقتی منشور ایشان خطاب به مالک اشتر را دیدند در برابر عظمت او قلم زدند.

وی خاطر نشان کرد: راه درست معرفی علی بن ابی طالب (ع) بازگشت به متون صحیح است، متونی که به تفرقه و اختلاف دامن نمی زند. متونی که از علی (ع) چهره مناسب با یک پیشوای عدالت خواه، انسان پیشتاز عرصه های مختلف علم و فرهنگ

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس ادامه داد: ما امروز شاهدیم چهارده قرن بر حیات ظاهری علی بن ابی طالب (ع) گذشته است، ولی هزار سال است از شهر نجف و کرسی های علمی که در این شهر در جوار مرقد امیرالمومنین (ع) برقرار است خورشیدهای بزرگی ظهور کرده اند. در همه قرن ها و از جمله در زمان معاصر انسان های بزرگی داشتیم که از این حوزه برآمده اند که نه تنها از مدار حق گویی خارج نشدند بلکه یک نسل را با حقانیت امیرالمومنین (ع) آشنا کردند.

وی تصریح کرد: من می خواهم بگویم علی بن ابی طالب (ع) چهره جهانی است و مخصوص شیعه اثنی عشریه نیست. تمام اهل سنت، علی بن ابی طالب (ع) را بزرگ می دانند. استاد حوزه و دانشگاه در ادامه خاطر نشان کرد: علی بن ابی طالب (ع) یک چهره بزرگ در بشریت است که یک پیام بلند انسانی دارد. خود آن انسان بزرگ رعایت همه شئون حق جویی و حق گویی را کرد و امروز که جامعه ما در یک بحران هایی قرار گرفته است می تواند با بهره مندی از آن آموزه ها به درستی و صدق و وفاداری راه یابد. نوراللهیان در پایان با اشاره به کم کاری حوزه های علمیه در جهت معرفی صحیح شخصیت امیرالمومنین (ع) به جامعه گفت: تراث اسلامی ما بسیار غنی است؛ اما ما به کارهای دست چندم می پردازیم و از کارهای اصلی اجتناب ورزیده و چشم پوشی می کنیم. در نتیجه جامعه از این تراث غنی رویگردان می شود. متأسفانه حوزه ها در این زمینه کم کاری می کنند. ما در جهت درست شناختن و درست شناساندن علی بن ابی طالب (ع) مواد و مطالب مهم در اختیار داریم، اما بی دقتی و کم کاری مان باعث شده است پذیرایی مردم نسبت به این تراث کم شود. البته جامعه هم باید نسبت به مباحث علمی اقبال نشان دهد و از مطالبی که عمیق تر و ریشه دارتر است استقبال کند. خوشبختانه آگاهی در جامعه ما بسیار بالاست و این نوید را می دهد که اگر به بیان درست دیدگاه های علی بن ابی طالب (ع) بپردازیم جامعه استقبال خواهد کرد.

«من از ۲۴ سالگی تا به حال همیشه در مقابل انگلیسی‌ها چه در بین النهرین و چه در ایران فداکاری کرده‌ام...» این بخشی از گفتگوی آیت‌الله کاشانی با یک خبرنگار در روزهای بعد از ۲۸ مرداد سال ۳۲ است.

روزهایی که کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد منجر به سقوط دولت مصدق شد و دولت فضل‌الله زاهدی در نظر داشت روابط قطع شده با دولت انگلستان را آغاز کند. اقدامی که آیت‌الله کاشانی آن را «عزای ملی» می‌دانست.

شاید همین سرسختی وی در برابر انگلیسی‌ها بود که شبکه سلطنتی BBC هرساله سندی جعلی علیه آیت‌الله کاشانی منتشر می‌کند. یک روز فیلمی از افتتاح مجلس هفدهم را نشان می‌دهد و می‌گوید مربوط به دیدار کاشانی از خانه محمد مصدق فردای کودتا است! و روز دیگر اسناد جعلی از دخالت وی در کودتا منتشر می‌کند.

امسال نیز به بهانه سالگرد ۲۸ مرداد، این شبکه دست‌نوشته‌ای بدون نام و نشان و با ادبیات امروزی! را نشان داده که در آن رقم دریافت پول توسط آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله بهبهانی برای حمایت از کودتا را نوشته است.

برای بررسی این سند جعلی و همچنین شایعه دست‌داشتن آیت‌الله کاشانی در کودتای ۲۸ مرداد به سراغ یعقوب توکلی مورخ و پژوهشگر تاریخی معاصر ایران رفتیم.

توکلی در گفتگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری تسنیم، با بیان اینکه ما در جغرافیایی زندگی

درباره سندسازی جدید BBC

بود. دولتی در کنار دولت‌های چندماهه آن ۱۲ سال (۱۳۲۰ الی ۱۳۳۲) بود. دولت مصدق قریب سه سال دوام آورد. دولت بود نه نظام سیاسی که به تنهایی بخواهد استقرار پیدا کند و هرآن ممکن بود تغییر پیدا کند.

****مصدق هم در شکل‌گیری کودتا مقصر بود**
این پژوهشگر تاریخ معاصر تصریح کرد: قبول داریم آمریکایی‌ها جنایت و کودتا کردند اما مسئله این است که مصدق هم مقصر در وقوع کودتا است و مردمی را که می‌خواستند وسط میدان بیایند مانع شد و در حفظ دولت خودش ناتوان بود و در این شکست مصدق هم مقصر است.

توکلی در پاسخ به پرسشی درباره نقش مرحوم بهبهانی در تاریخ معاصر، اظهار داشت: بهبهانی مانند آیت‌الله کاشانی از علمای درجه یک تهران بود و معمولاً واسطه علما و دربار بود اما «درباری» به معنای مصطلح آن نبود. واقعیت است که بهبهانی آنچنان مدافع دربار نبود ولی مدافع دولت مصدق هم نبود ولی نسبت وی با کاشانی دوتا نسبت ناهمگون است و همگنی باهم ندارند.

****سند bbc برای تخریب شخصیت مرحوم کاشانی است**

وی در پایان درباره سند منتشر شده در bbc اظهار داشت: آنچه اخیراً از آرشیو اردشیر زاهدی (وزیر خارجه پهلوی و پسر فضل‌الله زاهدی عامل کودتای ۲۸ مرداد) درآمده جعلی است. جالب است آنها که پول گرفتند مانند شعبان جعفری، منکر پول گرفتن می‌شوند اما آنهایی که پولی نگرفتند برایشان سند تنظیم می‌شود. اصل سند هم ببینید یک کاغذی است که بدون سربرگ نوشته شده و کاملاً قلم و ادبیاتش متعلق به امروز است و سند تاریخی نیست و دست‌نوشته امروزی با هدف تخریب شخصیت مرحوم کاشانی است.

نهضت ملی شدن نفت است و زودتر از مصدق هم مخالفت با انگلستان و سلطه بر نفت را شروع کرد و پیگیر بود. رئیس مجلس شورا بود اما در آن طرف هم مثل دکتر مصدق موافق تغییر رژیم پهلوی نبود. کاشانی و مصدق دنبال تغییر رژیم نبودند.

****جبهه ملی جواب بدهد برای سقوط نکردن مصدق چکار کرد؟**

وی افزود: رفاقت کاشانی و مصدق بعد از ۳۰ تیر تبدیل به رقابت شد. چه توقعی داریم کسی که رقیب ماست بخواهد برای ما فداکاری بکند؟ سوال اینجاست مصدق و جبهه ملی برای حفظ دولت مصدق چه کردند؟ خود اینها کاری نکردند. این زندی و حقه بازی ملی‌گراهاست که توانستند مشق نانوشته و نمره صفر خود را در حفظ نهضت ملی مخفی بکنند و نمره یازده و دوازده دیگران را به رخ بکشند.

****آیت‌الله کاشانی بدهی به جریان ملی‌گرا ندارد**

توکلی با بیان اینکه متأسفانه در این سمت خانواده مرحوم کاشانی و دوستانش آثار زیادی در این فضا ننوشتند، گفت: جریان ملی‌گرا و همچنین جریان چپ‌گرا در مراکز آکادمیک و مسئولیت اجرایی توانستند ادبیات تولید کنند. نتیجه این شد که توانستند نمره صفر دولت مصدق را در حفظ نهضت ملی و دولت خودش پنهان کنند و نمره ۱۰ و ۱۲ دیگران را به رخ بکشند. مگر آیت‌الله کاشانی رقیب جبهه ملی نبود؟ مگر ادبیات دشمنی با کاشانی را ترویج نمی‌کنند؟ پس چه توقعی است که کاشانی بخواهد به نفع آنها کار کند؟ جریان کاشانی بدهی به جریان ملی‌گرا ندارد و مهم‌تر اینکه دولت آقای مصدق یک دولت



می‌کردیم که یک سمت آن روسیه بود که بخش‌های وسیعی از سرزمین ما را گرفته بود و همیشه مورخان ما بخصوص آنها که با جریان تاریخ‌نگاری انگلیسی پیوند دارند خطر روسیه را گوشزد می‌کردند، گفت: در چند جنگ ما از روس‌ها شکست خورده بودیم. همچنان که از انگلیس و عثمانی شکست پذیرفته بودیم.

****مدرس، کاشانی و میرزای شیرازی نگران سلطه انگلستان بودند**

وی افزود: بطور دائم ترس از روسیه و کمونیسم را در ایران مطرح می‌کردند و در این میان، طیفی از روحانیت نگران سلطه روسیه و کمونیسم بود. همچنانکه طیفی در آن طرف، نگران سلطه انگلستان بودند. مرحوم مدرس از مخالفان سلطه انگلیس بود یا مرحوم کاشانی و پدرش و قبل از اینها میرزای شیرازی نگران سلطه انگلیس هستند و خطر را در آن طرف تشخیص می‌دهند لذا آنهایی که نگران تمامیت ارضی ایران بودند ترجیح می‌دادند نظام سلطنت در ایران باقی بماند ولی تمامیت ارضی کشور از بین نرود.

توکلی با بیان اینکه طیفی از روحانیت بخاطر نگرانی از خطر انهدام کشور، مدافع حفظ وضع موجود بودند و می‌خواستند همان چیزی که موجود است از بین نرود، اظهار داشت: حفظ وضع موجود بخشی از آن در حفظ سلطنت بود. حال اینکه پادشاه چه کسی باشد فرقی نمی‌کرد. مسئله این بود که کشور کسی را داشته باشد که حافظ امنیت کشور باشد.

این پژوهشگر تاریخی معاصر ایران در پاسخ به پرسشی درباره اتهام نقش مرحوم کاشانی در کودتای ۲۸ مرداد، گفت: مرحوم کاشانی از رهبران



وی افزود: دست‌هایی در کار است تا به طور هوشمندانه مانع شود تا ما به چنین شناختی دست پیدا کنیم.

سلیمی نمین سه عامل شکست نهضت ملی شدن نفت را عملکرد پیچیده آمریکا و انگلیس، عوامل آنها در داخل کشور و ضعف رهبران نهضت دانست و تصریح کرد: از بعد از انقلاب، با راه‌اندازی دعوای کاذب ملی‌گراها و مذهب‌یون، مانع شدند تا ما به شناخت درستی از امپریالیسم و نقش آن در شکست نهضت ملی شدن نفت دست پیدا کنیم. وی با بیان اینکه ما بعد از انقلاب بر روی عامل سوم شکست نهضت، یعنی اختلاف رهبران تمرکز کرده‌ایم، اظهار داشت: امروز هم برخی مطبوعات، مصدق را مقصر معرفی می‌کنند و برخی دیگر، روحانیت و آیت‌الله کاشانی را. این درگیری کاذب، منجر به عدم شناخت دو عامل دیگر می‌شود که عوامل اصلی و بسیار مهم ماجرا هستند.

کارشناس تاریخ معاصر ادامه داد: نه در سلامت مصدق شکی وجود دارد، نه سلامت آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام. اختلاف دیدگاه آنها، مباحثی درونی است. تمرکز بر این اختلافات و

خبرگزاری فارس: عباس سلیمی نمین، مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در نشست علمی «کودتای ۲۸ مرداد: بررسی نقش آمریکا و انگلیس در از بین بردن انسجام ملی ایرانیان» که عصر یکشنبه ۲۸ مرداد در موسسه پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد، با بیان اینکه عوامل مختلفی در شکل‌گیری مطالبه ملی شدن صنعت نفت دخیل بود، حضور قدرت‌های رقیب انگلیس در ایران را یکی از این عوامل دانست و افزود: عامل دیگر، خود انگلیسی‌ها هستند. شرایطی پیش آمده بود که انگلیسی‌ها می‌دیدند که شوروی و آمریکایی‌ها می‌توانند بر سر سفره نفت ایران بنشینند؛ موضوعی که انگلیسی‌ها همیشه با آن مقابله می‌کردند.

وی ادامه داد: انگلیسی‌ها با اطمینان از شرایط خودشان و تسلط لازمی که بر اوضاع ایران داشتند، مقداری به ایجاد فضای ضدیگانه در ارتباط با نفت، دامن زدند.

سلیمی نمین، عامل بعدی شکل‌گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت را آگاهی بخشی رجال سیاسی به مردم دانست و استبضاح تمدیدکننده قرارداد داری را نمونه‌ای از این تلاش‌ها عنوان کرد.

وی، فقر حاصل از دو جنگ جهانی را یکی دیگر از عواملی دانست که رهبران نهضت را به سمت نهضت سوق داد.

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، ادامه داد: نه تنها شناخت وسیعی نسبت به امپریالیسم در نزد رهبران نهضت ملی شدن صنعت نفت وجود نداشت، بلکه حتی نسبت به دربار هم وجود نداشت.

سلیمی نمین در نشست علمی کودتای ۲۸ مرداد:

دعوای کاذب مصدق - کاشانی و مسئله ۲۸ مرداد

شناخت ابزار و عوامل میدانی استکبار در کودتای ۲۸ مرداد را مهم ارزیابی کرد و و ضمن اینکه یکی از این ابزارها را «دربار» دانست، تصریح کرد: رهبران نهضت، شناخت کافی از دربار نداشتند. این انتقاد حضرت امام به مصدق که او می‌توانست به عمر استبداد پایان دهد، ناظر بر این بود که مصدق، شناخت کافی از دربار نداشت.

سلیمی نمین افزود: اینکه آیا این موضوع، نسبت به آیت‌الله کاشانی و دیگران هم صدق می‌کند یا خیر، نیازمند مطالعه است؛ جای تأسف است که بخش اعظمی از کسانی که درباره کودتای ۲۸ مرداد بحث می‌کنند، از نقش دربار، در این قضیه غفلت می‌کنند و همین موضوع باعث شده تا اکنون، فرصتی برای تجدید اعتبار دربار پهلوی، ایجاد شود که تأسف‌برانگیز است.

بنابر این گزارش، عامل دیگری که سلیمی نمین، نقش آن را در ایجاد کودتا، مهم ارزیابی کرد، قشر بی‌هویت جامعه ایران بود.

وی گفت: در قضایای ۲۸ مرداد، این قشر مورد بهره‌برداری بیگانگان قرار گرفت. عوامل انگلیس در داخل، نیروهای بزن‌بهادری در اختیار داشت که جلوی حرکات ضد انگلیسی را می‌گرفتند.

سلیمی نمین، شناخت این نیروها را حائز اهمیت دانست و با بیان اینکه در این زمینه نیز مطالعات جدی نداشته‌ایم، تصریح کرد: این قشر، در هر مقطعی می‌تواند برای ما تهدیداتی داشته باشد.

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در بخش دیگری از اظهارات خود گفت: اینکه امثال زیباکلام می‌گویند مردم ایران، صبح ۲۸ مرداد به نفع مصدق شعار می‌دادند و عصر، علیه او، کاملاً دروغ و بی‌اساس است.

فراموش کردن نقش دشمن بیرونی، امری غیر عقلانی است و که سالها بر عملکرد ما حاکم است و نتوانسته‌ایم خود را از آن رها کنیم.

سلیمی نمین معتقد است، تمرکز بر اختلافات درونی رهبران نهضت ملی شدن صنعت نفت را باید به بحث‌های پژوهشی و دانشگاهی منحصر کرد و در فضای عمومی و رسانه‌ای، باید به عوامل اصلی پرداخت.

وی، به یک سیاست همیشگی غربی‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: آن‌ها همیشه گزینه‌های مختلف را با هم دنبال می‌کنند؛ از فرب و نشان دادن مشت آهنی گرفته تا سازمان‌دهی نیروها. آمریکایی‌ها هرگز توجه به گزینه‌های مختلف را کنار نمی‌گذارند و این، رمز توفیق آنها در در کودتای ۲۸ مرداد است.

وی ادامه داد: اینطور نیست که آن‌ها در آستانه کودتا، با آن همراه شده باشند، بلکه از قبل، نیروهای خود را برای این کار تربیت کرده بودند. اینکه گفته می‌شود آن‌ها در نهایت گفتند چاره‌ای جز کودتا نیست، نادرست است. آن‌ها اگر می‌توانستند مصدق را فریب دهند، کودتا نمی‌کردند، اما انصافاً مصدق با طرح‌های آن‌ها مخالفت کرد.

سلیمی نمین، نفوذ در حزب توده را از برگ‌های برنده غرب در پیشبرد کودتا دانست و خاطرنشان کرد: برخی‌ها می‌گویند «کیانوری» نقش قابل توجهی داشته است.

وی تصریح کرد: اگر در دعوای کاذب غرق نمی‌شدیم، می‌توانستیم راجع به ساختارهایی از جمله نفوذ بحث کنیم.

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران،

فاجعه جدید در فیضیه!

خبرگزاری حوزه: حضرت آیت الله مکارم شیرازی در واکنش به تجمع طلاب در مدرسه فیضیه طی بیانیه ای تصریح کردند: در شرایط حساسی که در آن قرار داریم، تضعیف حوزه علمیه و مرجعیت و تهدید رئیس جمهور بر اساس چه ضابطه ای بوده؟ آیا همه اینها آب به آسیاب دشمن ریختن نیست؟! اگر گروهی از طلاب و اساتید می خواستند نسبت به برنامه های اقتصادی انتقاد کنند، مانعی نداشت که با بیان منطقی سخنان خود را بازگو کنند و راه کار برون رفت نشان دهند، چه کسانی دستور داشتند افتخارات شیعه را به این آسانی زیر سؤال ببرند و دشمن را که گفته تا مرجعیت و عاشورا در میان شیعیان وجود دارد، نفوذ در انقلاب اسلامی ممکن نیست، خوشحال کنند.

متن کامل بیانیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

توهین به حوزه علمیه در کانون حوزه علمیه
حادثه ای که در مدرسه فیضیه کانون حوزه علمیه در چند روز پیش رخ داد به تمام معنای فاجعه بود. متأسفانه جمعی از طلاب و اساتید محترم را به آنجا دعوت کرده بودند، تا درباره مسائل اقتصادی مردم صحبت کنند. سپس ورق برگشت؛ گوینده ای را که هیچ اطلاعی از وضع حوزه های علمیه شیعه نداشت، دعوت کرده و بدترین اهانت ها را به حوزه علمیه و مراجع شیعه کرد و پلاکاردی را در دست گرفتند که رئیس جمهور محترم را تهدید به مرگ می کرد و اعتراف ضمنی به مطالب دیگری داشت.

آیا صحیح است در کانون حوزه علمیه این گونه سخنان گفته شود؟
حوزه علمیه ای که محل پرورش امام، بنیانگذار انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب بوده است.

حوزه علمیه ای که بیشترین شهیدان را نسبت به سایر مردم تقدیم انقلاب نموده.

حوزه علمیه ای که در سال ده ها هزار نفر برای تبلیغ به اقصی نقاط در داخل یا خارج کشور برای دفاع از اسلام و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) می فرستد.

حوزه علمیه ای که در سال صدها کتاب برگزیده درباره علوم اسلامی و مسائل مورد نیاز مردم و مسائل اقتصادی و سیاسی می نویسد و منتشر می کند.

حوزه علمیه ای که مراجع آن هزاران مدرسه، مسجد، خانه عالم و مراکز خیریه در نقاط محروم کشور ساخته اند.

مسئولین محترم حوزه علمیه باید روشن سازند که این برنامه زبان بار با اجازه چه کسی صورت گرفته و مسئولین محترم سپاه نیز روشن سازند، آیا با اجازه آنها گروهی از سپاهیان در این برنامه شرکت داشته اند.

به هر حال، در شرایط حساسی که در آن قرار داریم، تضعیف حوزه علمیه و مرجعیت و تهدید رئیس جمهور بر اساس چه ضابطه ای بوده؟ آیا همه اینها آب به آسیاب دشمن ریختن نیست؟! اگر گروهی از طلاب و اساتید می خواستند نسبت به برنامه های اقتصادی انتقاد کنند، مانعی نداشت که با بیان منطقی سخنان خود را بازگو کنند و راه کار برون رفت نشان دهند، چه کسانی دستور داشتند افتخارات شیعه را به این آسانی زیر سؤال ببرند و دشمن را که گفته تا مرجعیت و عاشورا در میان شیعیان وجود دارد، نفوذ در انقلاب اسلامی ممکن نیست، خوشحال کنند.

خداوند همه ما را به راه راست هدایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
قم. ناصر مکارم شیرازی
۱۳۹۷/۰۵/۲۹

آیت الله نوری همدانی: اتفاق مدرسه فیضیه موجب تاسف بود

حق طلاب و علماء را منحرف کردند. ایشان افزودند: علما و مراجع خواستار کمک به مردم هستند. حضرت آیت الله نوری همدانی تأکید کردند: بخشی از سخنان سخنران و بعضی از شعارها نادرست و موجب تاسف بود و اجازه نخواهیم داد کسی خدمات مراجع و علما بزرگ و حوزه علمیه را زیر سوال ببرد. و از مسوولان محترم حوزه می خواهم که سریعاً موضوع پیگیری شود.

ایشان افزودند: حوزه علمیه که در طول تاریخ در مقابل ظلم ماند استکیار ستیز بود حال این گونه قضاوت بی انصافی است. حوزه هیچ گاه سکولار نبود و نیست و نخواهد بود. چرا باید کسی را به حوزه بیاورند که از حوزه بی اطلاع باشد. ایشان برخی شعارهای دست نوشته شده را در این تجمع بسیار ناراحت کننده دانسته و بیان داشتند: کسانی که این شعارها را نوشتند خواسته به

مهدی شیخ، عضو فراکسیون روحانیت مجلس:

از کجا خط می گیرند



نیست که شاهد چنین اتفاقاتی هستیم. حال آنکه اغلب گفته می شود که این تجمعات خودجوش و بدون برنامه ریزی قبلی انجام شده است. به نظر شما امکان برگزاری تجمعی در این سطح در مدرسه فیضیه بدون هماهنگی و برنامه ریزی قبلی وجود دارد؟

خیر! قطعاً نمی توانیم بپذیریم که این

تجمع و موارد مشابه بدون برنامه ریزی قبلی انجام شود و اتفاقاً نمایندگان مجلس نیز در تلاش برای مشخص شدن انگیزه ها و علل برگزاری این تجمع و نحوه سازماندهی آن هستند. در همین راستا تعدادی از نمایندگان با تهیه و امضای یک طرح سوال از وزیر کشور، خواهان حضور آقای عبدالرضا رحمانی فضلی در مجلس شدند تا در این رابطه توضیح داده شود که به هر حال قضیه چه بوده است. قطعاً دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی باید پاسخگو باشند و با بررسی دقیق ابعاد مختلف موضوع، جزئیات آن را به طور شفاف به اطلاع افکار عمومی برسانند.

نکته دیگر در برگزاری این تجمع طلاب و روحانیون جوان، هجمه انتقادی شدیدی بود که علیه دولت و البته برخی بزرگان نظام صورت گرفت و مشخصاً تا مرز تهدید رئیس جمهور نیز پیش رفت. علت ایجاد این فضا چیست؟

دیدار جمعی از مسئولان سپاه استان قم با آیت الله مکارم شیرازی

رهبری جمع آوری شد و پیشگیری لازم در مورد بروز اتفاقات ناگوار انجام شد.

آیت الله مکارم شیرازی هم ضمن تشکر از توضیحات ارائه شده گفت: ناراحتی بنده از بعضی مسائل مطرح شده در این مراسم است.

این مرجع تقلید جهان تشیع در ادامه با انتقاد از حاشیه سازی بعضی با در دست گرفتن پلاکاردهایی با مضامین توهین و تهدید اظهار داشت: به زودی اعلام می کنیم که این موضوع ربطی به سپاه و پاسداران نداشته است.

گفتنی است: در پایان این دیدار نامه فرمانده سپاه امام علی بن ابیطالب (ع) به آیت الله مکارم شیرازی تقدیم شد.

متن کامل نامه سرتیپ دوم پاسدار غلامرضا احمدی، فرمانده سپاه امام علی بن ابیطالب (ع) به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مستطاب حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، مرجع عالیقدر جهان تشیع (مدظله العالی) سلام علیکم

ضمن عرض تبریک ایام فرخنده ماه مبارک ذی الحجه الحرام و استدعای دعای خیر از معظم له، پیرو تجمع طلاب حوزه علمیه در تاریخ ۲۵ مردادماه ۱۳۹۷ در مدرسه فیضیه و حواشی پیش آمده در این تجمع و بیانیه حضرت تعالی در این باره، ضمن تشکر و قدردانی از پیگیری ها و توجهات جنابعالی، در مورد بندی از بیانیه که خواستار روشن شدن موضوع حضور نیروهای سپاه در این تجمع شدید، به استحضار حضرت تعالی می رساند؛ سپاه در شکل گیری و برگزاری

خبرگزاری حوزه: حضرت آیت الله نوری همدانی در مشهد مقدس ضمن اظهار تاسف از بعضی مطالب و شعارهای تجمع طلاب در مدرسه فیضیه گفتند: در شرایط فعلی کشور نیاز به تفکر و کمک برای حل مشکلات مردم دارد و این تجمع هم ظاهراً برای همین موضوع بود اما چطور میشود کسی بیاید سخن بگوید و حوزه علمیه و خدمات علماء و مراجع را زیر سوال ببرد.

آن چنان که مستحضریذ انتشار تصاویری از تجمع اعتراضی طلاب جوان در مدرسه فیضیه قم و پلاکاردهای برخی معترضان که تلویحا رئیس جمهور را تهدید کرده بودند، با واکنش های متعددی روبه رو شد و روز گذشته نیز آیت الله مکارم شیرازی در بیانیه ای این اقدام را محکوم کرد. نظر جنابعالی چیست؟

مسئله این اقداماتی نادرست و ناپسند بوده و این نحوه بیان اعتراض که عملاً از محدوده اعتراض قانونی خارج شده و به سمت توهین و تهدید می رود، از نظر ما محکوم است. آن چنان که اشاره کردید آیت الله مکارم نیز این اقدام را محکوم کردند. معتقدم باید ابعاد مختلف این موضوع مورد رسیدگی قرار گیرد و خواسته آیت الله مکارم نیز مورد توجه جدی قرار گیرد. محل تاسف است که چنین اتفاقاتی در حوزه علمیه و مدرسه فیضیه قم می افتد و واکنش و بیانیه آیت الله مکارم که علاوه بر آنکه در جایگاه مرجعیت قرار دارند، در گذشته نیز در جایگاه مدیریت حوزه بودند، قابل تامل است و حوزه علمیه باید نسبت به این مساله توجه و دقت بیشتری داشته باشد و دست اندکاران در برگزاری این تجمع طبق خواسته آیت الله مکارم پاسخگوی اقدامات انجام شده باشند.

آن چنان که مستحضریذ این نخستین بار

در پی حواشی پیش آمده در تجمع جمعی از طلاب که در مدرسه علمیه فیضیه برگزار شد و درخواست پاسخگویی آیت الله مکارم شیرازی از فرماندهان سپاه در مورد حضور احتمالی جمعی از پاسداران در این گردهمایی، حجت الاسلام سید حسن اکبری، مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان قم، حجت الاسلام طیبی فر، فرمانده تیپ امام صادق (ع) و جمعی از فرماندهان سپاه امام علی بن ابیطالب (ع) با این مرجع تقلید عالم تشیع دیدار و گفتگو کردند.

حجت الاسلام اکبری در این دیدار با تأکید بر نقش روحانیت در شکل گیری انقلاب اسلامی ایران و تلاش برای دفاع از اسلام و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) و حضور ویژه و به موقع در صحنه های حساس نظام اسلامی و مبارزه در عرصه جنگ سخت و نرم در مورد مسائل پیش آمده در اجتماع طلاب در مدرسه فیضیه توضیحاتی را ارائه نمود.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه استان قم گفت: سپاه در شکل گیری و برگزاری این تجمع هیچگونه نقشی نداشته و هیچ یک از نیروهای این نهاد در این برنامه حضور نداشتند و تصاویری که در بعضی رسانه ها از حضور اعضای سپاه در این برنامه منتشر شده مربوط به مراسم دیگری بوده و انتشار این عکس ها اقدامی ناشیانه در راستای تخریب نهاد مقدس سپاه بوده است.

در ادامه حجت الاسلام طیبی فر، فرمانده تیپ امام صادق (ع) به تشریح موضوع پیش آمده در تجمع طلاب پرداخت و ابراز داشت: با توجه به تأکید بنده، پلاکاردهای غیر سخنان مقام معظم

ادامه از صفحه اول

برخلاف فرزندان افراد زحمتکش و خودساخته از نظر تلاش و اعتماد به نفس این گروه، شخصیت و هویت خود را فقط و فقط در پرتو زحمت تلاش، تحصیل کمالات خود به دست می آورند و پیش می برند.

و در حوادث روزگار نیز سخت مقاوم، استوار و راست قامت تاریخی می شوند و به تعبیر سعدی شیرازی: روستازادگان دانشمند به وزیری پادشاه رفتند در کلیله و دمنه از کتاب های ادبی ایران زمین که جزء کتب تحصیل ابتدایی ما بودند و در نزد مرحوم استاد دانشمند حاج میرزا علی نمروزی آن را می خواندیم و هر دو: من و علی (فرزانه) این شعر را کاملاً به خاطرمان مانده است که: ان الفتی من یقول ها ان اذا لیس الفتی متن یقول کان ابی . آری استعداد و پرورش با تبختر خود بر تبینی و تن پروری و مهممل کاری به کمال نمی رسد، بلکه گاو نر می باید و مرد کهن .

زادگاه علی فرزانه

فرزانه، اصالتاً روستازاده بود (همانند هاشمی رفسنجانی (ره) که در اوج قدرت می گفت: من فرزند روستایم . از (بهرمان رفسنجان کرمان) از روستایی، قیصرق از توابع منطقه مهربان . بستان آباد . پدرش مرحوم حاج داداش (پیرمرد) روشن ضمیر، با سیمایی نورانی و ریش سفید مهتابی، می گفت که من، علی را سرباز امام زمان (عج) کرده ام همانند پدر من مرحوم آقا سید علی اصغر (بقال) که می گفت: من به پسر پهلوی سرباز نمی دهم . اصولاً طلاب و جوانان منطقه سراب از استان آذربایجان شرقی خوش استعداد بودند و از بهره هوش زیادی برخوردار می گردند .

امروزه بسیاری از عالمان ممتاز حوزه های علمیه قم و نجف از منطقه سراب بوده اند . بمانند علامه شیخ عبدالحسین امینی (صاحب الغدیر) آیت الله ملکوتی امام جمعه اسبق تبریز، آیت الله شیخ ابوالفضل علمائی از علماء ممتاز حوزه و آیت الله شیخ حسین ایوبی و استاد جناب شیخ محمد حقی و آیت الله آقای شیخ محسن دوزدوزانی و آیت الله حاج شیخ عبدالله دوزدوزانی و در تبریز نیز آیت الله حاج میرزا عبدالله سرابی، آیت الله سید محمد مولانا، آیت الله اشراقی و ده ها فضلالی دیگر که امروزه حضور دارند . آری علی فرزانه نیز همانند دیگر طلاب فاضل از این منطقه بود . زندگی مرحوم استاد علی فرزانه را به سه دوره می توان تقسیم کرد و ملاحظه نمود .

در تبریز

مرحوم فرزانه در مدرسه طالبیه تبریز، طلبه ای باهوش بود و خوش پوش در میان طلاب و فعالیت های حوزه تبریز و در بهره مندی از خطابه های عالمانه استاد محمد جلیلی (اسنقی) پیشگام و فعال بود .

در حوزه علمیه قم

بعد از رحلت آیت الله بروجردی، مرجع تقلید جهان تشیع من و علی فرزانه همراه دیگر دوستان، عازم حوزه علمیه قم شدیم . در این دوره اداره حوزه علمیه قم عملاً به عهده شخصیت برجسته آیت الله شریعتمداری بود در واقع می توان گفت که آیت الله بروجردی، اداره حوزه علمیه را به عهده و مسئولیت آیت الله شریعتمداری و آیت الله گلپایگانی و آیت الله نجفی مرعشی و انهاد و از دنیا رحلت کرد .

گرچه مدرسه حجتیه یادگار آیت الله سید محمد حجت، به مدیریت فرزندش آیت الله سید حسن حجت اداره می شد، ولی از آنجایی که آیت الله شریعتمداری نماز ظهر و مغرب را در مسجد مدرسه حجتیه اقامه می کردند، همه فضلالی مقیم در مدرسه، در آنجا جمع می شدند . به علاوه مدرسه

در فراق عالمی روشن اندیش

کرمی و محمدجواد مغنیه . بارها تصریح کردند که: انت تکتب مقالا عربیا کما یتکتب کاتب لبنانی . در درس خطابه نیز که استاد صدر بلاغی به عنوان استاد ناظر، آن را به عهده داشت، فرزانه، هوش سرشار و ذوق شعری خود را به عرصه ظهور گذاشت که موجب تحسین حاضران نیز قرار گرفت و در محضر استاد شهید مطهری نیز درس فلسفه بحث حرکت را خوانده بود .

در تبریز

فرزانه بعد از تحصیلات تکمیلی و اخذ مدرک علمی به تبریز آمد . ابتدا در محله ولیعصر و شب ها در مسجد ولیعصر که به وسیله آقای حاج مرتضی خویی تأسیس شده بود، اقامه نماز می کرد . در روزها در دبیرستان صفا در محله ششکلان همراه دیگر دانشمندان متخصص عهده دار تدریس علوم دینی و معارف اسلامی شد و هیأت علمی و مدیریت دبیرستان صفا، آقای فرزانه را با پذیرش مدرک علمی او استخدام کرد و جناب فرزانه همراه دیگر متفکران و اندیشمندان مسلمان آن دبیرستان، در عرصه فرهنگی و مشارکت علمی آکادمیک قرار گرفت و این خود یک موفقیت ممتازی بود که آقای فرزانه را از حضار مجالس دینی سنتی به محفلی باز فرهنگی دبیرستان صفا انتقال می داد و ذهن و فکر و اندیشه او را جهت می داد و راه ترقی علمی را فراهم می کرد جلسات مجلس: «مکتب علی» .

در آن روزها که در حدود سال ۵۰ بود نهضت سیاسی - فرهنگی در کشور به اوج خود رسیده بود . در تهران و در حسینییه ارشاد استاد شهید مرتضی مطهری و همچنین مرحوم دکتر علی شریعتی رهبریت فرهنگ دینی را هدایت می کردند اما در تبریز که فضای خاص خود را داشت استاد فرزانه در مباحث دینی - علمی را با مخاطبان فرهنگی و جوانان مبارز که بعداً در انقلاب مصدر کار شدند، معارف اسلامی را عالمانه بیان می کرد و روح جستجوگر حاضران را که اکثر جوانان مبارز بودند اقناع و احیاناً اشباع می کرد . که گاهی نیز این بنده در همان مجلس مشارکت می کردم .

در دوران انقلاب و روح مبارزه

از آنجایی که استاد فرزانه اصولاً حشر و نشرش با جوانان مبارز بود طبیعی است که در سال ۵۶ . ۵۵ و ۵۷ فرزانه فعالیت اجتماعی سیاسی چشمگیری داشت . حتی در این زمان و از بعد از انقلاب، که چهره های فرصت طلب خود را انقلابی جا زدند و می ززند آن روزها، جزو محافظه کاران محسوب می شدند و بیشتر سرکارشان با مجلس عامیانه مذهبی بود تا جوانان خود آگاه سیاسی .

در سال ۵۶، بنده به عنوان طلبه ای تلاشگر با امتیازاتی که داشتم عازم آمریکا شدم و در دانشگاه تمپل (Temple) که با دارالتبلیغ اسلامی همکاری علمی داشت برای تکمیل دوره دکتر در رشته تطبیق ادیان و جامعه شناس دین، به آمریکا رفتم . استاد ما در دانشگاه تمپل (فیلالدفیا) شهید دکتر اسماعیل فاروقی فلسطینی الاصل (از رام الله) عضو فرهنگی سازمان الفتح بود که با موسسه قم به جهت مردمی بودن و غیردولتی بودن همکاری داشت .^(۷) فرزانه نیز در تبریز همراه دوستان دانشمند خود فعالیت داشت و مورد غضب سازمان امنیت وقت بود

بعد از پیروزی انقلاب

به نقل از خود آقای فرزانه یکی از سخنرانان شجاع راهپیمایی های شهر، که روحانیون در صف اول مبارزه بودند، استاد علی فرزانه بود (عکس آن سخنرانی موجود است)

اما بعد از تحولات شهر در سال ۵۹ . ۵۸ و تغییر موضع مدعیان انقلاب که می خواستند تنها خودشان باشند . تقریباً می توان به جرأت گفت که آقای فرزانه با تشخیص خود و درایت خاصی که داشت، خود را از همراهی با شیفتگان قدرت و شخصیت کنار کشید، زیرا به وضوح می دید که اگر دیروز می گفتند «همه با

حجتیه نوساز و فضای وسیع و باز مدرسه مسکن بسیاری از طلاب فاضل که امروزه مصدر کارند و در آنجا سکونت داشتند .

ما نیز چند نفر از طلاب تبریزی بودیم و محفل دوستانه و علمی داشتیم و جمعاً شش نفر بودیم که امروزه از آن جمع تنها دو نفر باقی مانده ایم: من [سید محمد ثقفی] و حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمد حسین کوه کمری .

بعد از وقایع سال ۴۲

دقیقاً در سال ۴۳ بود (بعد از نهضت پانزده خرداد و نقش آیت الله شریعتمداری در مسائل روز) در حوزه علمیه قم گرایشات فکری متفاوتی وجود داشت . عده ای از فضلا و «هوادران و شاگردان آیت الله خمینی، تأکید بر تداوم نهضت اسلامی داشتند و اصلاح جامعه را تنها در پناه «اسلام سیاسی» دنبال می کردند اما اندیشه اصلاحی و اجتماعی دیگری نیز حضور داشت که معتقد بود که جامعه ایران در تغییر اجتماعی، نیاز به نهضت فرهنگی هم دارد . جامعه، حوزه ها، دانشجویان و طلاب حوزه پیش از کلنچار با احزاب سیاسی و مفاهیم سیاسی باید به خودسازی علمی و فرهنگی و آشنایی با فرهنگ زمان و اسلام قرن بیستم (نه قرن اول هجری) آشنا گردند . اگر نهضت اسلامی، با زیرسازی فرهنگی عمیق و آشنایی با عمق معارف دینی عارف به زمان خود باشند [العالم بزمنه لاتهجم علیه الحوادث] حتما می توانند جامعه خود را تحول بخشند .

در ردیف این گروه عالمان، علامه طباطبایی، استاد شهید مرتضی مطهری، امام موسی صدر، آیت الله مکارم و آیت الله سبحانی قرار داشتند و از شخصیت های علمی مهندس بازرگان ... به نظر نگارنده در تاریخ تشیع و بعد از شهادت حضرت سید الشهدا دو جریان شیعی وجود داشتند شیعه زیدیه و تشیع امامیه . فرزندان زید شهید از حضرت سجاد، برای تغییر زمان و اصلاح اجتماع، قیام به شمشیر را شرط ضروری امامت می دانستند و به اصطلاح امروزه روحانیت مبارزه بودند .

البته با اینکه شهید هم می دادند اما چندان موفق هم نبودند . و تشیع امامی به رهبری حضرت امام باقر و امام صادق علیهما السلام احیای اسلام و تشیع را در فرهنگ سازی و پروراندن عالمان اسلام شناس و تأسیس حوزه های علمیه می دانستند و تشیع فرهنگی و جریان اعتدالی را تشکیل می دادند . اگرچه این دو شیعه در ریشه ها یکی بودند، اما در آثار و نتایج به نتیجه های متفاوتی رسیده اند . [در این زمینه به منابع تاریخ تشیع مراجعه شود] . در عصر ما اولویت گروه دوم، تغییر فرهنگ از طریق تأسیس نهادهای فکری علمی - اندیشه صورت می گرفت .

انتشار مجله علمی - دینی مکتب اسلام - نخستین گام این نهضت فرهنگی بود و دومین گام این اندیشه، تأسیس «دارالتبلیغ اسلامی» و پرورش نویسندگان و تربیت طلاب با استعداد و آشنا ساختن این گروه با معارف اسلام و علوم و معارف عصری بود . از این رهگذر عده زیادی از طلاب حوزه علمیه به طور گزینش از طریق امتحان خاص، وارد آن موسسه شدند که علی فرزانه و اینجانب و بسیاری از دوستان ما از این گروه بودیم .

اساتید علی فرزانه

استاد علی فرزانه، علاوه بر درس های معمولی حوزه علمیه که پس از اتمام سطح، به درس خارج می روند، به مدت حدود ۶ سال مشارکت داشت . در آن موسسه آیت الله محمد کرمی (نماینده خبرگان اول از اهواز) از عالمان بزرگ عرب زبان و از علامه محمد جواد مغنیه مفسر مشهور «تفسیر الکاشف» از ایشان، سال های چندی استفاده نمود .

در درس این دو استاد مبرز بود که استعداد علی فرزانه شکوفا گردید . و در پژوهش هایی که به زبانی عربی می نوشت هر دو عالم شیعی - محمد

هم، امروز می گویند همه با من!»!

طبیعی است که گرایشات انحصارطلبانه با روح آزادی خواهانه علی فرزانه سازگاری نداشت .

بنده خود شاهد بودم وقتی که در منزل مرحوم حاج احمد آقا غروی در سال ۶۰ که من تازه از «ینگه دنیا» برگشته بودم، وقتی مرحوم جواد حسین خواه به فرزانه معترضانة انتقاد می کرد که تو انقلابی نیستی! فرزانه جواب داد اگر من انقلابی نستم همه شاهدند که این ماشین «پیکان» من انقلابی است!

انتخاب راه و دوران انزوا

استاد فرزانه همراه دیگر همفکران روحانی خود از طرف هم لباسان و فرصت طلب که شیفته قدرت و شخصیت شدند، مورد آزار و اذیت، حتی تهدید قرار گرفت و بانواع تهمت ها که رقیب نثار می کرد متهم شد .

داستان جالب و خاطره به یادماندی به ذهن دارم که بهتر است آن را در اینجا نقل کنم که خود شاهد حال و گویای ضمیر همه ما است .

روزی در دوره امامت جمعه آیت الله ملکوتی که مردی عالم و مجتهدی به نام بود، به دفتر معظم له رفتم برخی از افراد دوره قاب چین ها که مرا در کنار آیت الله ملکوتی دیدند، با اشاره و اوجانابه صراحت گفتند، آقا (با اشاره) او از «خلق مسلمان» است . آیت الله ملکوتی، با صراحت به او گفت: مگر تو خلق کافری؟! سپس به روی من نگاه کرد یعنی که آنها اشتباه می کنند!

دیگر عرصه، عرصه تقوا و ارزشمندی با بی پروایی و ضد ارزشی، مطرح بود و احیاناً حالت بدبینی و جمع شدن بساط «انما المومنه اخوه» آری همه با بستگی با «من» باشند: شعار «هر کس با ما نیست بر ما است»

تغییر محل خدمت

... استاد فرزانه دید که دیگر خدمت کردن و دعوت و تبلیغ در عرصه عمومی جامعه برای وی مقدور نیست .

ولی از طرف دیگر دوستان باوفای آیت الله اشراقی که نهضت اسلام عقلانی و جبهه ضد خرافات و مبارزه با عوام زدگی و عوام فریبی به وسیله او هدایت می شد، و این گروه همان نخبگان تبریز در عرصه بازار و خدمات اجتماعی و انجمن های خیریه، به طور غیرعلنی بدون ریا و تزویر، فعالیت داشتند و بعد از آیت الله اشراقی به درستی تشخیص دادند که تنها فرد دستار به سری که می تواند این خلاء علمی و دینی فرهنگی را پر کند، جناب میرزا علی فرزانه است . او گرچه به سن و سال علامه اشراقی نیست، اما در فکر و اندیشه و جهت گیری اجتماعی با او هم مسلک است .

او نیز در تبلیغ و فرهنگ اسلامی تأکید بر «قرآن» دارد ضد خرافات است و با خواب دیدن و خواب زدگی و تفسیر زندگی با خواب را راه انحرافی می داند. آری این ویژگی ها سبب شد که این دوستان فرهنگ دوست دور علی فرزانه جمع شوند در دو نهاد اجتماعی - خدماتی «جمعیت خیریه نوبر» و «موسسه خیریه حمایت از مستمندان» از وجودش استفاده کنند .

به علاوه جلسات علمی - فرهنگی آیت الله اشراقی یک جلسه دیگر را در عصرهای چهارشنبه یک هفته در میان، با استاد فرزانه اداره کنند و چه انتخاب زیبایی .

تشخیص راه و انجام وظیفه

استاد فرزانه و همین طور استاد علیزاده دانشمندان مجهولی نبودند که مردم تبریز آنان را نشناسند و مجهول الهویه باشند . این دو بزرگوار سال ها، استاد جامعه فرهنگی و مربی جوانان با فرهنگ و با استعداد بودند .

اما به روشنی می دیدند که تندروری و شعارهای بی جا و تهمت های ناروا، بی مهری ها، بداخلاقی ها جانشین اخلاق اسلامی و ارزش های دینی شده است . آن هم به نام دین و پیاده کردن هدف اسلامی!!

ادامه در صفحه بعد

رد پای سید جمال الدین اسدآبادی و سفر حج



جام جم آنلاین: ماجرای شکل‌گیری موزه صنعتی کرمان، کم‌شگفت‌انگیز نیست. این موزه، بنایی است که در گذشته‌های نه چندان دور به دست حاج اکبر صنعتی‌زاده بنا شد. این

بنا حاصل سیر و سلوک حاج اکبر صنعتی‌زاده در سفر حج و رخصت طلبیدن او از سید جمال الدین اسدآبادی برای خدمت به بارگاه الهی است.

سید جمال الدین اسدآبادی اما حاج اکبر صنعتی را ملزم به خدمت خلق می‌کند. این رویداد سبب می‌شود صنعتی‌زاده بنایی را برای کودکان پرورشگاهی و بی‌سرپرست کرمان بنا کند. پرورشگاه صنعتی کرمان در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی و در مساحتی حدود ۴۵ هزار متر مربع توسط این مرد خیر تأسیس شد.

بیشتر کودکان تحت مراقبت با تعلیم و تربیت خوب مؤسس آن، حاج اکبر به افرادی بلندآوازه تبدیل شدند. از دل این بنای تاریخی و زیبا هنرمندانی ظهور کردند که مهمترین آنها چهره شاخص مجسمه‌سازی ایران استاد علی اکبر صنعتی‌زاده است. پرورشگاه صنعتی در سال ۱۳۵۶ به منظور نگهداری و نمایش آثار استاد سیدعلی اکبر هنرمند مجسمه‌ساز و نقاش و آثار دیگر هنرمندان ایران و جهان به موزه تبدیل شد. این موزه در چندین سال فعالیت به گنجینه‌ای بزرگ از آثار استاد صنعتی و سهراب سپهری بدل شده است که می‌توان آن را یکی از پایگاه‌های هنری مهم برای فضای گردشگری دانست.

مجلس وحدت مسلمین پاکستان، از شخصیت علمی و سیاسی مشهور این کشور است و در انتخابات پاکستان نیز یک کرسی مجلس ایالتی بلوچستان را کسب کرد.

هریسی تسلیت می‌گویم و در پایان مرثیه ای را که ملک الشعراء بهار در رثای دوستی گفته است، آن را پایان بخش این مقاله قرار می‌دهیم.

دعوا چه کنی داعیه داران همه رفتند
شو بار سفر بند که یاران همه رفتند
آن گردشتا بنده که در امن صحرا است
گوید «چه نشینی؟» که سواران همه رفتند
گر نادره معدوم شود هیچ عجب نیست
کز کاخ هنر نادر کاران همه رفتند
افسوس که افسانه سریان همه خفتند
اندوه که اندوه گساران همه رفتند
یک مرغ گرفتار در این گلشن ویران
تنها به قفس ماند و هزاران همه رفتند
خون بار «بهار» از مژه در فرقت احباب
کز پیش تو چون ابر بهاران همه رفتند
رحمه الله علیه رحمه الله واسعه
قم: سید محمد ثقفی
دو ذیقعد ۱۴۳۹ - تیر ۱۳۹۷

پاورقی

۱. پروفیسور عبدالرزاق کانپوری، زندگانی خواجه نظام الملک ترجمه: سید مصطفی طباطبایی، صفحه ۱۳۷، چاپ دوم ۱۳۵۴.

۲. تفصیل این جریان را در مجله «نسیم بیداری» ویژه نامه دکتر ابراهیم بزدی آورده ام.

۳. همایون کاتوزیان، ایرانیان، صفحه ۲۰. ۲۲، نشر مرکز، چاپ تهران.

درخواست آیت الله از آیت الله

مقابل ماست. این اندیشه در میان شیعه بیشتر متبلور شده است. ما عدلیه هستیم، نه معتزله و نه اشاعره. عدلیه نه فقط بر این باور است که خداوند عادل است بلکه عدالت به عنوان نظریه‌ای عمومی در تشیع حاکم است و شریعت مطابق عدالت عقلانی است». او افزود: «در این جلسه نامی از آیت الله جوادی آملی برده شد. در تاریخ اندیشه اسلامی کسانی که جامع منقول و معقول باشند زیاد نیستند. یکی از این چهره‌ها آخوند خراسانی است که نزد حاجی سبزواری فلسفه خوانده بود. بنده مدیون آیت الله جوادی آملی هستم و سال‌هاست از حضورشان استفاده می‌کنم. ایشان شاگرد پدرم بودند و از چیزهایی که از درس ایشان مانده تقریرات آیت الله جوادی آملی است.

بنده سرسپرده ایشان هستم و دستشان را می‌بوسم. ایشان انصافاً از نوادر عصر ماست که جامع منقول و معقول است. آیت الله جوادی آملی در جامعه‌ای زیست می‌کند که با فقه اداره می‌شود. در قانون اساسی ۱۰ عنوان پست کلیدی به فقیهان سپرده شده است. بنده خطاب به آیت الله جوادی آملی می‌گویم شما که مدعی عقلانیت و حیانی هستید مسئولیت زیادی برعهده شماست. اگر می‌دانید امروز در جامعه با چه مشکلاتی روبه‌رو هستیم چرا اظهار نظر نمی‌فرمایید؟ ایشان در کتاب

آیت الله محقق داماد از آیت الله جوادی آملی درخواست کرده است که درباره مسائل و مشکلات جامعه اظهار نظر کند. او در همایش عقلانیت و حیانی خطاب به آیت الله جوادی آملی گفت: «اگر می‌دانید امروز در جامعه با چه مشکلاتی روبه‌رو هستیم، چرا اظهار نظر نمی‌فرمایید؟» آیت الله جوادی آملی چندی پیش در دیدار فرماندهان نیروی هوایی گفته بود: «با فشار مردم را ساکت کردن نتیجه تلخ دارد.»

محقق داماد سخنانش را با اشاراتی به جریان‌های فلسفی آغاز کرد و گفت: «این کم‌لطفی است که در رساله‌های عرفانی ابن سینا تردید کنند و بگویند تحولی در وجود ابن سینا پدید آمد که مقامات العارفین اشارات را نوشت. فارابی و ابن سینا فیلسوفان مسلمان هستند. ایشان به وحی معتقدند و بر این باورند که عقل و وحی با هم سازگاری دارد. قدم به قدم در تاریخ فلسفه این قضیه متبلور و روشن می‌شود. این جریان ادامه داشت تا اینکه ملاصدرا راه نویی را تأسیس کرد. صدرا فلک را سقف شکافت و حکمتی به نام حکمت متعالیه را بنیان گذاشت. به تعبیر آیت الله جوادی آملی حکمت متعالیه مبتنی بر سه پایه عقل و وحی و عرفان است. بنابراین عقلانیت و حیانی نکته‌ای است که از نخستین روزهای فلسفه

فتاوی امام خمینی بیشترین تاثیر را بر مردم پاکستان داشته است

دار کنند، ولی با رهبری مقام معظم رهبری این حرکت پر طراوت و زنده است.

علامه راجا ناصر عباس جعفری همچنین با تشریح برنامه‌های این حزب در پاکستان در مناسبت‌های گوناگون به ویژه «روز قدس و هفته وحدت»، افزود: در بیش از ۳۰۰ شهر پاکستان، تظاهرات و راهپیمایی به مناسبت روز قدس برگزار می‌شود و همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی در این مراسم حضور می‌یابند.

این رهبر حزب سیاسی مذهبی پاکستان همچنین با تأکید بر لزوم گسترش وحدت شیعه و سنی، ادامه داد: فتاوی امام خمینی (ره) درباره شرکت در نماز جماعت اهل سنت در ایام حج، در زمان خود بسیار تأثیر گذار بود و از تفرقه امت مسلمان که همانا خواست دشمنان بود، جلوگیری کرد.

به گزارش جماران؛ دبیر کل حزب وحدت مسلمین پاکستان گفت: فتاوی امام خمینی (ره) به عنوان اصول ماندگار و پیشرو نسبت به زمان خود، بیشترین تاثیر را بر مردم مسلمان پاکستان بر جای گذاشته و وحدت شیعه و سنی از اصول محکم این فتواهاست.

علامه «راجا ناصر عباس جعفری» در دیدار مسئول خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در راولپندی با وی، از فرهنگ به عنوان عرصه مهم و ارزشمند یاد کرد و گفت: این کار در عین حال مشکلات و موانع زیادی نیز پیش روی خود دارد.

وی از وحدت مسلمین و هفته وحدت به عنوان یادگار امام خمینی (ره) یاد کرد و گفت: دشمنان اسلام به دنبال آن هستند که این وحدت را خدشه

ادامه از صفحه قبل

در نهضت‌ها و انقلاب‌ها درست است که ایدئولوژی و شعارها، احساسات جامعه را تحریک می‌کند و در اجتماع، «جایگزینی نخبگان» پدید می‌آید، عده‌ای می‌روند و دسته‌ای دیگر به جای آنها می‌آیند و ای بسا تندروی و خشونت حاکم می‌شود؛ اما این روند بیشتر در انقلاب‌های مادی بمانند مارکسیسم صورت می‌گیرد و یا در تاریخ اسلام عباسیان فرصت طلبانه از «نفس زکیه» ابومسلم خراسانی استفاده کردند و بعداً آن چنان رفتار کردند که همگان می‌دانیم ولی در انقلاب اسلامی که به وسیله عالمان بزرگ اداره می‌شد، هرگز هرگز این انتظار نبود! مگر اینکه مسئله را با «روانشناسی اجتماعی جامعه ایران» تحلیل کنیم.

به تعبیر دکتر همایون کاتوزیان در مقدمه کتاب «ایرانیان» که می‌گوید جامعه ایرانی و مردم آن چندین ویژگی دارند!

۱. نظریه توطئه:

ایرانیان به ندرت ظاهر هر رویداد، پدیده نظر یا پیشنهاد را باور می‌کنند. بر عکس به احتمال زیاد معتقد خواهند بود که ظاهر امر گمراه کننده و حقیقت در زیر آن نهفته است. و همواره می‌پندارند که در هر حادثه‌ای دست بیگانه‌ای دخالت دارد غربی. وابسته به دیگری.

طبیعی است که نتیجه چنین داوری فقدان مردان مورد اعتماد و موثق پدید می‌آید.

۲. شخص گرایی:

شخص گرایی دو رویه دارد: یکی ایرانیانی که با یکدیگر پیوند خانوادگی و دوستی ندارند. از یکدیگر جدا هستند. احساس انسجام اجتماعی و مراعات افراد ناشناس در میان ایرانیان به طور کلی چندان قوی نیست. از این جهت فعالیت جمعی، بسیار نادر موفق می‌شود. ویژگی دوم شخص گرایی، گرایش برعکس دارد و به شکل دلبستگی غیرعادی به دیگران بروز می‌کند. ۳. احساس در میان ایرانیان و در شکل دادن به آرای آنان، جایگاهی والاتر از «عقل» دارد احساس بیشتر از «استدلال منطقی» جلب نظر می‌کند. (۳)

خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد البته امروزه وزیدن باد تند احساسات، مقداری در گذشت زمان، کاهش یافته است و چهره‌هایی که دیروز مورد قبول نبودند نورانیت واقعیت آنها نمایان شده و چهره‌هایی که خود را سلمان و «ابوذر» نشان می‌دادند، آزمایش تاریخی تعداد و ارستگی آنها را تعیین کرده است و فرصت طلبانی که در هر دوره، نان را به نرخ روز می‌خورند دیگر در ذهنیت داوری مردم جایی ندارند.

استاد فرزانه از گروه دسته اول است. این معنی را تشبیح باشکوه مردم از جنازه ایشان نشان داد و به علاوه حجت الاسلام والمسلمین سید تقی آل هاشم که نماز بر جنازه او خواند، در نماز جمعه به

حقوق بشر می‌نویسد کرامت بشری فقط یک امر هستی‌گونه نیست که در درون بشر به ودیعت گذاشته شده باشد، بلکه قطعاً باید این هستی را در بایستی‌ها لحاظ کرد. «چند روز پیش آیت الله جوادی آملی در دیدار فرماندهان نیروی هوایی گفته بود: «اولین وظیفه نیروی انتظامی این است که کشور را امن کند، نه امنیتی! عنایت ما باید به امن کردن کشور باشد؛ کشوری امن است که اکثریت قاطع مردم آن نه بیراهه بروند و نه راه کسی را ببندند. با فشار مردم را ساکت کردن نتیجه تلخ دارد؛ بنابراین باید با نشاط مردم را ساکن، نه ساکت کرد! ما باید بین سکوت و سکون فرق بگذاریم. آن سکینت است که پشتوانه ملت است و ما باید آن را در جامعه ایجاد کنیم. در قرآن کریم ذات اقدس الهی فرمود هرگز خدا شما را تنها نمی‌گذارد، برای اینکه شما مجاهدت کردید، برای اینکه شما کار کردید، ملت بی‌کار را خداها می‌کند. خداوند به ملتی که کار می‌کند فرموده است من شما را رها نمی‌کنم. شما باید چپاولگرها را شناسایی کنید و قبل از اینکه شروع به کار کنید، توطئه آنها را خنثی کنید، نه اینکه فقط کشف جرم کنید؛ بلکه باید دفع جرم کنید! در حقیقت باید از جرم جلوگیری کنیم نه اینکه فقط جرم واقع شده را کشف کنیم.»

وی گفت: اکنون نیز ضرورت دارد نگاه وحدتی مقام معظم رهبری را پیگیری و اجرا کنیم، چرا که دشمنان درصدد تفرقه و گسستن وحدت مسلمانان هستند. دبیر کل حزب مجلس وحدت مسلمین پاکستان همچنین از مردم پاکستان به عنوان محبان اهل بیت علیهم السلام و عاشقان امام خمینی (ره) یاد کرد و گفت: انقلاب اسلامی ایران، بیشترین تاثیر را بر مردم این کشور داشته است.

«بهرام کیان» مسئول خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در راولپندی نیز در این دیدار با تشریح بخشی از فعالیت‌های خانه فرهنگ گفت: فعالیت‌های دینی و تقریبی با محور وحدت مسلمین، بخش مهمی از برنامه‌های خانه فرهنگ را در بر می‌گیرد. علامه راجا ناصر عباس جعفری دبیرکل حزب

سلامت نفس و تقوای آقای فرزانه اعتراف کرده است. آری: اللهم انا لانعلم منه الا خيراً.

نه عوام زده و نه عوام فریب

آری استاد علی فرزانه همین طور استاد عزیزانه رحمه الله، نه عوام زده بودند و نه عوام فریب، شخصیت‌های خودساخته، حقیقت گرا و نه واقع گرا! که تشیع امام علی آن را تایید می‌کند، علی را قبول دارد [حقیقت و نه واقعیت موجود خلافت را... او در تبلیغ خود صریح بود، روشنفکر بود، از اسلام عقلانی علمی پیروی می‌کرد از خرافات زدگی، خواب زدگی و راه‌های انحرافی دیگر به شدت پرهیز داشت. از غلو و مبالغه گویی تملق دوری می‌کرد. از شخصیت‌های خدوم فرهنگ اسلامی، از مراعات بزرگوار و از رجال علمی و سیاسی دفاع می‌کرد، خدمات شایسته این شخصیت‌های اسلامی و ملی را ارج می‌نهاد. گرچه سختی‌ها دید و البته اغلب ماها چنین بودیم، اما از راه خود عدول نکرد و نکردیم و به اسلام و ارزش‌ها معتقد بودیم و نه به شعارها.

من فقدان این یار دبستانی را به خانواده محترم، به فرزندانشان جناب سعید، وحید، فرید فرزانه و دختر خانم و به همسرش به دوستان باوفاییش در انجمن‌های خیریه به ویژه به آقای حاج حبیب الله چوخابچیان، آقای حاج حسن حسین خواه و آقای حاج علی غفاریان و حاج کاظم آقا خامه چی و حجت الاسلام میرزا رضا فرزانه و حجت الاسلام والمسلمین هاشم زاده

احمد راسم نفیس از مدافعان مکتب تشیع و اهل بیت (ع) در مصر و مولف بیش از ۳۰ عنوان کتاب با موضوعات اسلامی است.

به گزارش خبرگزاری رسا، شناخت اندیشمندان، متفکران و صاحب نظران جهان اسلام که در زمینه‌های مختلف دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شناخته شده‌اند برای اساتید، دانشجویان، علما، طلاب و سایر اقشار مردم از اهمیت خاصی برخوردار است به طوری که می‌توانند با مطالعه آثار و تحقیق در رابطه با نظریات آن‌ها ابواب جدیدی از علم را بشکافند. یکی از این اندیشمندان احمد راسم نفیس است که در این گزارش سعی شده است که گوشه‌ای از زندگی این انسان فعال در جهان اسلام را به خوانندگان گرامی معرفی کنیم.

شرح حال

احمد راسم النفیس متولد ۲ آگوست ۱۹۵۲ میلادی در شهر منصوره مصر است و به سبب تغییر مذهب خود از اهل تسنن و به تشیع و نظریه پردازی و تبلیغ گسترده و قوی مذهب اثنی عشری به یکی از رهبران شیعیان در مصر تبدیل شده است.

وی تحصیلات خود را در رشته پزشکی ادامه داد در سال ۱۹۷۷ تخصص جراحی داخلی، در سال ۱۹۸۳ پزشکی داخلی و در سال ۱۹۹۲ قند و غدد دست پیدا کند. وی هم اکنون علاوه بر ریاست حزب مصری التحریر الشیعی به تدریس علوم پزشکی در دانشگاه المنصوره این کشور مشغول است.

پدر بزرگ راسم النفیس از علمای الازهر بود که در مسجد «القریة» به تدریس علوم دینی، فقهی و ادبی می‌پرداخت و پدرش نیز به شغل معلمی اشتغال داشت. وی در رابطه با دوران کودکی خود می‌گوید: «از پدر بزرگ و پدرم عشق به مطالعه و کسب اطلاعات را فرا گرفته بودم بر این اساس همه

سومین همایش بین المللی حقوق بشر اسلامی به همت موسسه صیانت از حقوق زنان به عنوان یک موسسه غیر دولتی، با هدف ترویج مبانی حقوق بشر اسلامی، در سالن جلسات ستاد حقوق بشر قوه قضاییه برگزار شد.

در این جلسه مهمانانی از چند کشور جهان حضور داشتند و به ایراد سخن پرداختند.

شیخ عبدالله صالح نماینده کشور بحرین گفت: ما در شرایط بسیار خطرناکی به سر می‌بریم، اوضاعی که در آن سخن از اسلام و غیر اسلام نیست؛ بلکه مسئله انسانیت مطرح است. مسئله مهم این است که آیا احترام به انسانیت در جهان هست یا نه؟ آیا مردم بحرین به عنوان مسلمان حق زندگی ندارند و بشر محسوب نمی‌شوند؟ این مبارز بحرینی در این همایش گفت: ما در شرایطی زندگی می‌کنیم که همه شاهد کشتار مردم و نابودی تاسیسات و از بین بردن کشورهایی همچون یمن، عراق، سوریه و بحرین و خاصا در یمن هستند.

وی افزود: متأسفانه در دوره ای هستیم که خشک و تر با هم می‌سوزند و حقوق انسانی رعایت نمی‌شود. تا بدان جا که سفارتخانه‌های بیگانه برای سرکوب مردم تلاش می‌کنند. عبدالله صالح به سرنگونی‌ها در بحرین از سوی آل خلیفه و آل سعود اشاره کرد و گفت: از جمعیت یک میلیون و خرده‌ای ملت بحرین نزدیک به هفصد و خرده‌ای به عنوان زندانی سیاسی در حبس به سر می‌برند. وی گفت: سلب تابعیت حتی از معارضین خارج از بحرین یا کودکان تازه متولد شده، تجاوز جنسی،

کتاب‌های که در اختیارم بود را مطالعه کرده بودم به جز یک کتاب به نام «آبناء الرسول فی كربلاء» نوشته خالد محمد خالد مصری که به علت ناتوانی در مطالعه این کتاب بسیار گریه کردم.»

تغییر مذهب

احمد راسم النفیس در رابطه با تغییر مذهبش از اهل سنت به تشیع می‌گوید: «در تابستان ۱۹۸۴ میلادی به همراه خانواده به مسافرت رفته بود و در یکی از کتابخانه‌ها با کتابی به نام «لماذا اخترت مذهب الشیعه» آشنا و از مسؤول کتابخانه برای قرض گرفتنش اجازه گرفتم و شروع به مطالعه و از محتوایش بسیار تعجب کردم. تعجب من آن زمانی بیشتر شد که متوجه شدم شیخ محمد مرعی الامین الانطاکی نویسنده این کتاب از علمای الازهرست که شیعه شده است و این موضوع مدت‌ها ذهن من را به خود مشغول کرده بود ولی با توجه به احترامی که برای نویسنده کتاب قائل بود، در رابطه با آن به هیچ شخصی چیزی نگفتم، پس از مدتی با کتابی به نام «خلفاء الرسول الاثنا عشر» آشنا شدم، آن را خواندم و مانند کتاب نخست در رابطه با این مطلب با کسی سخنی نگفتم ولی احساس کردم که تفکراتم به مذهب اهل بیت (ع) نزدیک شده است.

سالها گذشت و در نمایشگاه کتابی که در دانشکده پزشکی شهر المنصوره برگزار بود با کتابی با عنوان «الإمام جعفر الصادق» نوشته عبدالحمیم الجندی آشنا شدم که چاپ مجمع تحقیقات اسلامی در سال ۱۹۹۷ میلادی بود و به خودم گفتم که این کتاب را یک مصری و قبل از انقلاب اسلامی ایران نوشته است، زندگی امام جعفر صادق (ع) موجب تزلزل سنگینی در افکار و معلومات من در رابطه با اهل بیت (ع) شد و از کتمان این واقعیت‌ها ناراحت بودم.»

تالیفات

وی در زمینه تالیفات کتاب نیز نویسنده بسیار ماهری است به طوری که در دوران حیات خود تاکنون ۳۰ عنوان کتاب در زمینه‌های مختلف

دارد که بیشترشان با گرایش اسلامی و مذهب تشیع نوشته شده است. برخی از کتاب‌های وی به شرح ذیل است:

۱. الطريق الی مذهب اهل البیت (ع)

۲. علی خطی الحسین

۳. بیت العنکبوت

۴. القرضای وکیل الله أم وکیل بنی أمیة

۵. المصرون والتشیع الممنوع

۶. الشیعة والثورة

۷. النبوة فی نهج البلاغة

۸. الفاطمیون و القدس

برخی از دیدگاه‌های راسم النفیس

وی که در سال ۲۰۱۱ حزب وحدت و حریت را در مصر بنا نهاد و بارها نسبت به دستگیری شخصیت‌های شیعی مخالف دولت به حکومت مصر اعتراضاتی داشته است.

راسم النفیس وی در رابطه با مهدویت و طرد تروریسم اعتقاد دارد که وظیفه تقویت پایه‌های تعاریف عدالت واقعی که حقوق ملت‌های مستضعف را به آنان باز می‌گرداند، بر ما واجب است. جهان اسلام باید در خصوص استفاده از اصطلاحات صحیح و درست همچون «عدالت واقعی»، «مقاومت» و «جنبش‌های آزادی بخش» نقش بسزایی داشته باشد.

وی با اشاره به انقلاب مصر گفت: شیعیان مصر از عناصر اصلی و تاثیر گذار در انقلاب مصر و سرنگونی رژیم آن بودند ولی به خاطر حساسیت‌های موجود و حفظ وحدت از شعارهای مذهبی استفاده نکردند.

این اندیشمند مصری با اشاره به آیات ۲۰۰ تا ۲۱۲ سوره الشعراء درباره سقوط حسنی مبارک بیان داشت: این داستان همین نظام کثیف است که رهبری ستمگر و نادان داشت رهبری که خیال می‌کرد قدرت و مال و هم پیمان شدن با رژیم صهیونیستی و امریکا چیزهایی هستند که او را تا ابد حفظ خواهند کرد، حال آنکه اتفاق افتاد آنچه

مبارز بحرینی:

تلاش سفارتخانه‌های حاضر در بحرین برای سرکوب انقلابیون

در جنوب یمن، تجاوزات جنسی، جنگ میکروبی و شرایط اسفناک وضعیت اقتصادی، درمانی و بهداشتی اشاره کرد و گفت: تا حال حاضر ۳۸ هزار نفر از مردم بی گناه یمن شهید شده‌اند. به گونه ای که پیش آمده در یک لحظه بیش از ۱۰۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

وی گفت: امروزه حقوق بشر، حقوق بشری است که عربستان را از لیست سیاه کودک کش حذف می‌کند و در دل مسلمانان بخاطر دفاع از یمن رعب ایجاد می‌کند.

وی ضعف امت اسلامی را عدم هماهنگی معرفی کرد و در ادامه مسلمانان جهان را به دفاع از ملت مظلوم یمن و مقابله با استکبار جهانی فرا خواند.

آقای علی واحدی از افغانستان نیز در این همایش به تشریح راهکارهای ممکن پیرامون مسائل مطرح پرداخت و اذعان کرد: حقوق بشر اولاً باید بر پایه اصول الهی ارائه شود و تثبیت گردد. دوماً می‌بایست حقوق بشر به عنوان یک ابزار سیاسی از دست قدرت‌های بزرگ که مداوم به سرکوب مستضعفین جهان می‌پردازند، خارج گردد و نهایتاً ایران هم به عنوان قدرت پیشرو در جهت تثبیت حقوق اسلامی تلاش کند.

دکتر منا شریعتی نیز از عراق به عنوان آخرین مهمان خارجی در این همایش به تفرقه افکنی‌های بعثی‌های رها شده در عراق اشاره کرد و گفت متأسفانه هیچ تدبیری در رابطه با عملکرد بعثی‌ها و ایجاد تنش بین سنی و شیعه یا عرب و اعجم وجود ندارد.



آفریقایی اتفاق می‌افتد اما سازمان‌های حقوق بشری صرفاً به تهیه گزارش اکتفا کرده و هیچ رسیدگی لحاظ نمی‌شود. شعیب محمد ادامه داد: چند سال پیش در کشور نیجریه ارتش دولتی علیه بشریت و انسانیت حمله کرد و حدود سه شبانه‌روز بسیاری از مسلمانان را به قتل رساند و تعدادی را هم که دستگیر کرد که در حال حاضر در شرایط بسیار بدی نگهداری می‌شوند، شیخ مجاهد زکزاکی نمونه ای از آن است که ۶ فرزند او را شهید کردند و با وجود بیماری شدید اقدام مناسبی برای نگهداری از وی صورت نمی‌گیرد و حتی یک بیانیه از نهادهای رسمی پیرامون آزادی ایشان صادر نشده است؛ بنابراین ما در جهان تنها صدای خوشی از حقوق بشر می‌شنویم اما اجرای آن را نمی‌بینیم.

عبد الناصر الراشدی فعال یمنی هم با بیان این جمله که اسلام آمده است بنده و بردگی آزاد کند، به مهمترین موارد نقض حقوق بشر در یمن نظیر قتل و کشتار غیر نظامیان، وضعیت بد زندان‌ها

اعلام آمادگی رئیس موسسه سوکارنو اندونزی برای همکاری های مشترک با دانشگاه تقریب مذاهب اسلامی

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی و هیئت همراه که به اندونزی سفر کرده اند، دیدارها و رایزنی های مهمی با مسئولان دانشگاهی فرهنگی و دینی این کشور داشتند که در یکی از دیدارها با خانم ”رحماواتی سوکارنو“ فرزند پدیر انقلاب استقلال اندونزی ”مرحوم سوکارنو“ بود که گفتگوهای مهمی در خصوص موضوعات مختلف انجام شد.

دراین دیدارطرفین درخصوص برگزاری ”سمینار بین المللی اسلام رحمه للعالمین از دیدگاه مرحوم سوکارنو و امام خمینی(ره)“ به توافق رسیدند. دکتر مختاری آمادگی دانشگاه مذاهب اسلامی را برای هرنوع همکاری در عرصه های مختلف اعلام کرد.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی همچنین با بیان اینکه اصل وحدت همواره مورد تاکید امام خمینی و رهبری و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده و هست، گفت: در قانون اساسی اندونزی نیز بر اصل وحدت تاکید شده و این نقطه بسیار مهمی در همکاریها می تواند باشد و دانشگاه مذاهب اسلامی نیز با نگاه استراتژیک به وحدت بین مسلمانان شکل گرفته و تلاش می کنیم وحدت را محقق کنیم و بتوانیم در این زمینه گام های اساسی برداریم.

سوکارنو نیز با ابراز خرسندی از حضور ریاست دانشگاه مذاهب اسلامی و هیئت همراه در اندونزی و انجام این دیدار، گفت: وحدت و تقریب در زمان حاضر امر بسیار مهمی است که دانشگاه مذاهب اسلامی نیز در این راستا فعالیت می کند.

او افزود: مرحوم سوکارنو نیز با تفکرات لیبرالیستی و نئولیبرالیستی مقابله می کرد و همواره معتقد به وحدت بود و اصلی را به نام وحدت در قانون اساسی اندونزی قرار داد.

سوکارنو گفت: ما موافق تبلیغات سوء دشمنان نیستیم که می گویند اسلام دین خشونت است چرا که اسلام دین رحمت و مهربانی است و وحدت برای تحقق ایده ها و اهداف ما لازم و ضروری است.

او ادامه داد: مرحوم سوکارنو معتقد بود مسلمانان نیاز به پیشرفت دارند درحالیکه برخی ها فکری می کردند پیشرفت با رادیکالیسم و تفکرات افراطی یکی است اما ما معتقدیم، می شود بدون تفکرات افراطی پیشرفت کرد.

رئیس موسسه سوکارنو همچنین با تمجید از اهداف و رسالت های دانشگاه مذاهب اسلامی که در زمینه وحدت و تقریب فعالیت می کند، آمادگی خود را برای همکاریهای مشترک اعلام کرد.

ادامه داد: متأسفانه دشمنان ایران همه شیوه ها را برای مقابله با انقلاب اسلامی پیش گرفتند اما خوشبختانه شکست خوردند.

وی افزود: دشمنان ما با همراهی عربستان و انگلیس یک معادله چند وجهی را ایجاد و توطئه فشار اقتصادی و آشوب و اعتراض را طراحی کردند اما در این عرصه هم شکست می خورند.

حجت الاسلام حیدری کبیر در پایان با عنوان اینکه تقریب نه یک شعار بلکه یک همبستگی و شیوه مقابله با دشمن است، یادآور شد: باید تقریب ذهنی، فکری و عملی میان ما بیشتر شود که برگزاری این چنین برنامه هایی در همین راستا است.

حدیث تقریب:

امت اسلامی معاصر بین عزت و ذلت

کند شخصیت و هویت گم شده خود را در اعمال غیرعادی و نگرشهای انحرافی دنبال کند و یا اینکه طعمه ای بشود در دست کسانی که اهداف تخریبی را دنبال می کنند.

بسیاری از جریانهای انحرافی در جوامع اسلامی به وجود آمده است، بعد از اینکه گروههایی به این جوامع پیوستند که برخی شرایط آنها را دلیل کرده و شخصیت و هویت آنها را در هم شکسته بود و این گروهها شخصیت گم شده خود را در جریانهای انحرافی جستجو می کردند.

تاریخ اسلام شاهد درگیریهای طایفه ای بسیاری بوده است، بدون اینکه طرفین درگیربها دلیل فکری و فقهی آن را بدانند، کسانی که مردم عمومی و بازاری شناخته می شدند وارد این درگیریها می شدند تا بعد از اینکه شخصیت و هویت اسلامی و محمدی خود را از دست داده بودند، شخصیت وابسته خود را در این درگیربها اثبات کنند.

این گونه فتوایی که هراز گاهی صادر می شود، نتیجه ای جز شکست و تسلیم شدن ندارد؛ جریانهایی که از مدرنیسم به وجود می آیند، اصالت و میراث را انکار می کنند و به صراحت به تقلید از غرب فرامی خوانند؛ همه اینها نتیجه حالت ذلت پنهان در درون جانهاست. مصلحان اسلامی این حقیقت را درک کردند و اولین شعاری که مطرح کردند شعار برتری ایمان، بازگشت هویت، افتخار به میراث اسلام و کوچک شمردن غرب و زرق و برق آن بود.

امت اسلامی با ویژگیهایی که خداوند متعال برای آن خواسته است، به زمین باز نمی گردد، مگر اینکه روح عزت در رگهایش جاری شود، عزت به

عزت، اصل مهم اسلامی است که فرد یا گروه مسلمان را از آن گریزی نیست.

خداوند متعال! کلیه امور مؤمن را به خودش واگذار کرده است و به او اجازه نمی دهد که دلیل باشد.

جامعه مسلمان باید عزیز و شجاع باشد و کلیه آموزه های اسلامی اعم از تربیتی، اقتصادی، سیاسی، دولتی، اجتماعی و نظامی باید به سمت تحقق عزت مسلمانان و دور شدن آنها از ذلت باشد. هر آنچه که جامعه اسلامی در تاریخ خود از حرکتهای جهادی، عملی، فکری، هنری و پیشرفت اصیل در میدان تخریب و سازنگی شاهد بوده است، پشت همه اینها حساس عزت نهفته است.

و هر آنچه که این جامعه اسلامی از شکستها و انحرافها و فتنه ها و آشوبها در تاریخ به خود دیده است، نتیجه عدم وجود عزت اسلامی و ظهور ذلت در تاریخ آن است.

نمی‌خواهیم در مورد ذلت مسلمانان در گذشته صحبت کنیم، بلکه از ذلت مسلمانان در تاریخ معاصر آنها می‌گوییم، بسیاری از عوامل در زمینه های مختلف، موجب به وجود آمدن ذلت مسلمانان شده و باعث شده است که آنها عزت، هویت اسلامی، کرامت و شخصیت خود را به عنوان یک امت تمدن را احساس نکنند.

این حالت ذلت اگر به عزت تبدیل نشود، خطرهایی در پی دارد و صاحب آن را به سمت عزت سراب گونه سوق می دهد، به طوری که عزت خود را در نزد سلاطین و صاحبان قدرت جستجو می کند و تبدیل به آلت و دست آویزی قابل انعطاف در دست صاحبان قدرت می شود و یا اینکه سعی می

نماینده ولی فقیه در استان کردستان در همایش «تقریب مذاهب»:

دشمن در تقابل با اسلام توجهی به شیعه یا سنی بودن ندارد

صدور انقلاب اسلامی ایران به اقصی نقاط جهان باعث کینه ورزی استکبار شده است و امروز می بینیم دست به هر توطئه ای برای منزوی کردن جمهوری اسلامی می زنند ولی به حمد خداوند متعال تاکنون در عملی کردن نیت پلید خود ناکام مانده اند.

وی با اشاره به اینکه جنگ امروز ما با دشمنان جنگ نرم و تقابل تمدن هاست، ادامه داد: امروز آمریکا و اسرائیل برای مقابله با اسلام و به ویژه انقلاب اسلامی به دنبال توسعه و نشر مسیحیت صهیونیسم در جهان هستند، لذا باید در مقابل این توطئه فرهنگی و بزرگ دشمنان هوشمندانه عمل کنیم.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی تاکید کرد: یکی دیگر از راه های دشمن برای ضربه وارد کردن بر پیکره دین اسلام، ایجاد گروه های تروریستی در جهان اسلام است و از این طریق می خواهد پروژه اسلام هراسی را در سراسر جهان گسترش دهد.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان با تاکید بر اینکه باید از پتانسیل های داخل کشور در مقابل هجمه های دشمنان استفاده کنیم، گفت: دین اسلام دین سربلندی است و هرگز نمی تواند زیر

به گزارش خبرگزاری تقریب، حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمد حسینی شاهرودی، در «همایش تقریب مذاهب اسلامی، فرصت ها و چشم انداز آینده» که در سالن جلسات مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور، در سنجند برگزار شد، با اشاره به اینکه اسلام دین هدایت و بصیرت برای بشریت است، گفت: هر آنچه که انسان امروزی به آن نیازمند است در دین اسلام وجود دارد و این دین برای تمام شئون زندگی بشری برنامه دارد.

وی با تاکید بر اینکه دشمنان هرگز به پتانسیل عظیم دین اسلام باور نداشته اند، افزود: پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل به دشمنان نشان داد که اسلام از شکوه و عظمت والایی برخوردار است و در آینده ای نزدیک سراسر جهان را فرا خواهد گرفت.

نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری اظهار کرد: امام خمینی (ره) در همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب وعده داد که انقلاب اسلامی به سراسر دنیا صادر خواهد شد و همگان دیدیم که این گونه شد.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان اظهار کرد:

تقریب فکری، ذهنی و عملی میان مسلمانان بیشتر شود

وی افزود: آمار جمعیت جهان در چند سال گذشته شش میلیارد نفر بود که فقط یک میلیارد از آنان مسلمان بودند، اما اکنون آمار جمعیت جهان به هفت میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر رسیده است که یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر از آنها مسلمان هستند.

معاون فرهنگی مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور عنوان کرد: نرخ رشد مسلمانان ۶۰ درصد بوده اما نرخ رشد مسیحیت ۱۰۹ درصد بوده است.

وی ادامه داد: افزایش جمعیت مسلمانان باعث نگرانی و هراس آمریکا و اسرائیل شده است چون

خداوند، اسلام و به هویت متمایز امت است و باقی ماندن حالت ذلت به معنی پراکندگی، درگیری، شکست و چند دستگی و وابستگی بیشتر است.

دشمنان مسلمانان از هر فرصتی استفاده می کنند تا با جنگ نظامی و فرهنگی و رسانه ای و با توهینهای علنی به مقدسات و کرامات مسلمانان، عزت مسلمانان را در هم بشکنند، جنایت انتقال سفارت آمریکا به قدس، معامله قرن و اعلام یهودی بودن سرزمین فلسطین، آخرین تلاشهای دشمن برای ذلت مسلمانان نیست.

شکست پروژه آمریکایی صهیونیستی در منطقه و پیروزیهای مقاومت در لبنان و فلسطین و اصرار مردم فلسطین بر حق بازگشت به میهن و مقاومت آنها در مقابل صهیونیستهای خون ریز، بشارت بیداری را می دهد که به اذن خداوند عزت و کرامت را به امت باز می گرداند.

در برابر درگیریهای تمدنی کنونی، مسلمانان باید مسؤولیت استفاده از تمامی قدرتهای بشری که خداوند به جامعه اسلامی عنایت کرده است، از جمله قدرت اقتصادی و موقعیت جغرافیایی و ... را بر عهده بگیرند و با رویکرد محکم و استفاده از فرصت نشستها برای کاشت روح عزت در جانها و مقابله با ذلت مسلمانان تلاش کنند.

در این صورت است که می توانیم خود را بینم که از عرصه تنگ فرقه ای و طایفه ای به عرصه وسیع اسلام ناب محمدی رسیده ایم! امید است که به اذن خداوند نزدیک باشد.

محسن اراکی

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

سلطه باشد، لذا برای تحقق این مهم باید در زمینه های علمی، اقتصادی، فرهنگی و ... توسعه و پیشرفت داشته باشیم.

وی در ادامه سخنان خود عنوان کرد: بی شک اگر در عصر کنونی از اقتدار و قدرت بی بهره باشیم در مقابل زیاده خواهی دشمنان کم خواهیم آورد و به همین منظور است که رهبر معظم انقلاب با کمال صراحت می فرمایند که «مذاکره نمی‌کنیم و جنگی هم اتفاق نمی‌افتد».

حجت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی گفت: یکی دیگر از توطئه های دشمنان ایجاد شبهات دینی و دستکاری میانی دینی مسلمانان است و به دنبال ایجاد شکاف در جهان اسلام از این طریق است. نماینده ولی فقیه در استان کردستان با اشاره به این که امروز دشمنان در تقابل با اسلام توجهی به شیعه یا سنی بودن ندارند و هدف اصلی آنها ضربه زدن به اصل اسلام است، گفت: دنیای استکبار به سردمداری آمریکا به دنبال منزوی کردن نظام مقدس جمهوری اسلامی بود، اما خوشبختانه این خود آمریکا است که در دنیا منزوی شده است.

تقریب فکری، ذهنی و عملی میان مسلمانان بیشتر شود

جوانان دنیا به سمت اسلام بسیار گرایش پیدا کرده اند.

حجت الاسلام حیدری کبیر اعلام کرد: آنها می خواهند که مسیحیت را مهربان و اسلام را همراه با خشونت نشان دهند اما آن چیزی که خدا می خواهد قطعاً تحقق پیدا خواهد کرد.

وی عنوان کرد: براساس پیش بینی های صورت گرفته تا ۳۳ سال دیگر جمعیت مسلمانان دنیا به سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون نفر خواهد رسید که این موجب نگرانی دشمنان اسلام شده است.

معاون فرهنگی مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهدای خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بهشت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

تشکیل می‌دادند، به مردم وام می‌دادند، مسجد پایگاه ازدواج بود و ... اما اکنون از تفکر مسجدی بودن دور شده‌ایم. در حالی که تعداد زیادی بازنشسته با تجربه و قابل اعتماد مردم را داریم که می‌توانند به جای اینکه در پارک‌ها وقت بگذرانند مسجد را اداره کنند، اما کسانی که به دنبال اغراض سیاسی خودشان هستند اجازه نمی‌دهند.

وی هشدار داد: مساجد با این رویه‌ای که ما به جلو می‌رویم دریشان بسته و تعطیل می‌شوند. ما اکنون می‌بینیم که مساجد خانگی تأسیس می‌شود و این یعنی مردم زیرزمین خانه خود را محل تجمع نمازگزاران محل خود قرار می‌دهند و نمی‌روند در مسجد جمع شوند و این یعنی آب راه خود را پیدا می‌کند. وقتی پایگاه مردمی بودن مسجد را از مسجد می‌گیرید مردم به سمت مساجد خانگی می‌روند.

مسجد نباید بوق تبلیغاتی یک سلیقه سیاسی شود



حجت الاسلام والمسلمین نجم الدین طیبی، استاد حوزه علمیه قم و استاد حوزه مهدویت در گفت‌وگو با ایکنا؛ در خصوص وضعیت موجود مساجد کشور، گفت: اکنون اگر واقع بینانه به وضعیت مساجد ایران و جهان نگاه کنیم باید گفت وضعیت بغرنج است و دیگر مانند گذشته نه به لحاظ کمیت و نه کیفیت

جمعیت را در مساجد نمی‌بینیم و حتی افراد متدین هم خیلی کم به مساجد تردد و ترجیح می‌دهند نمازشان را در خانه به صورت فرادا بخوانند.

حجت الاسلام طیبی در خصوص دلایل این وضعیت رنج آور، گفت: یکسری از امامان جماعت ما روحیه جذب حداکثری مردم را ندارند و نمی‌توانند مردم خصوصاً جوانان را به مساجد جذب کنند و به لحاظ اخلاقی و رفتاری اقدامات آنها جاذبه ندارد.

وی از دیگر دلایل خلوت شدن مساجد را سیاسی کاری دانست و گفت: متأسفانه مسجد با مباحث سیاسی کاری قاطی شده است. در اینکه دین و سیاست عین هم هستند کسی شک ندارد اما اعمال سلیقه‌های سیاسی بسیار خطرناک و عامل مهمی در ایجاد وضعیت موجود مساجد است. به عنوان مثال در مساجد تابلوهای اعلانات از فلان سلیقه سیاسی و فلان شخصیت سیاسی که گرایش خاص سیاسی دارد خبر گزارش می‌دهند و در ایام انتخابات از یک نامزد انتخاباتی حمایت می‌کنند و همه اینها موجب لطمه خوردن حضور حداکثری مردم و جوانان در مسجد می‌شود.

این مدرس حوزه علمیه قم در پاسخ به این سؤال که آیا معتقد هستید مساجد باید بی‌طرف باشند و اجازه دهند همه گروه‌ها دیدگاه‌های خود را در این مکان مطرح کنند؟ گفت: ما خطوط قرمزی در تشیع و نظام مقدس اسلامی داریم که باید حفظ شود. به عنوان مثال در ایام انتخابات باید مردم

دعوت شوند و امام جماعت، هیئت امنای مسجد و جوانانی که مشغول انجام کارهای فرهنگی هستند باید مردم را به حضور حداکثری در انتخابات دعوت و مردم را از خطرات دشمن آگاه کنند اما اینکه از شخص و گرایش خاصی حمایت و مسجد بوق تبلیغاتی یک سلیقه سیاسی شود باید پرهیز کرد.

این کار باعث از بین رفتن اتحاد و همبستگی و حضور حداکثری مردم در مساجد شده و کم کم به منازعات و درگیری منجر می‌شود.

وی با اشاره به تفاوت سلاقی در خانواده، گفت: علی‌رغم این تفاوت سلیقه‌ها همه اعضای خانواده سر یک سفره می‌نشینند و با هم متحد هستند و همین باعث حفظ خانواده می‌شود. معنای اتحاد حذف سلیقه شخصی نیست اما متأسفانه اکنون اینطور شده که افراد به یک سلیقه شخصی علاقه دارند و بقیه را طرد می‌کنند. البته در اینکه برخی علایق مخالف چهارچوب نظام، نباید در مساجد فعالیت داشته باشند بحثی نیست اما وقتی شورای نگهبان کاندیداهای یک تفکر سیاسی را تأیید می‌کند، دیگر اجازه نداریم مسجد را محل تخریب آن سلیقه سیاسی قرار دهیم. البته انتقاد کردن اقدام غلطی نیست اما اگر بلد نیستیم انتقاد کنیم، سکوت کنیم بهتر است.

حجت الاسلام طیبی تصریح کرد: اینکه در مسجدی که باید به یاد خدا بیفتیم افرادی به بهانه انتقاد، تهمت می‌زنند و غیبت می‌کنند بعد هم الله اکبر می‌گویند و مدعی می‌شوند همه باید با هم نماز بخوانیم به جذب حداکثری مساجد صدمه می‌زند.

این استاد حوزه مهدویت در جمع بندی این بخش از سخنان خود، گفت: این علل اصلی است که باعث شده وضعیت موجود مساجد نه تنها خوب نباشد بلکه در حالت اورژانسی قرار گرفته و

نویسنده کتاب «حقایق ناگفته از زندان گوانتانامو» به شهادت رسید

سرگذشت یک پزشک افغان در زندان گوانتانامو



زندان آمریکایی‌ها در بگرام و سپس گوانتانامو انتقال یافت.

سید محمدعلی شاه موسوی گردیزی در کتاب «حقایق ناگفته از زندان گوانتانامو» که از سوی انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران منتشر شده نوشته است: «نویسندگی هنری ظریف و کاری مشکل است؛

اما نوشتن از مشکلات یک زندانی، آن هم از زندان گوانتانامو که نامش لژه بر اندام می‌اندازد، کاری است مشکل تر، به‌ویژه برای فرد دردمندی چون من که حتی حرف و زبانی برای بیان درد، آن هم درد غربت، مظلومیت، تنهایی و بی‌گناهی خود ندارم و باید از ظلم، تعدی، دروغ، تهمت، شکنجه‌های روحی و جسمی، توهین، تحقیر، بی‌عدالتی، بی‌انصافی و وحشیگری‌ای سخن بگویم که فوق تصور ذهن بشر است؛ به‌گونه‌ای که ذهن انسان از یادآوری و تداعی دوباره آنها گریزان است و تلاش می‌نماید تا آنها را فراموش کند.

سخن از افعال و حرکات ضد انسانی و غیراخلاقی مدعیان حقوق بشر و انسان دوستی غاصبان نام دموکراسی و طرفداران آزادی در زندان مخوف و مخفی نگه داشته شده گوانتاناموست، آن هم بر انسان‌های بی‌گناهی که نه حق دفاع دارند و نه وکیل مدافع، نه حق شکایت دارند و نه مرجعی برای دادخواهی. سخن از مردمانی است که اگر ظلم و ظالم را ببینند و بی‌عدالتی و تاراج همه هستی خود را نظاره کنند، هیچ مقام و مرجعی را برای بیان درد و رنج خود و هیچ دادخواهی را برای گرفتن حق خود

جز درگاه احدیت ندارند.

من از درد، رنج و غم همه مردم خود چیزی نمی‌نویسم؛ چون باید در این مورد کتاب‌ها نوشته شود که کار افراد خبره است. من از تاراج همه هستی مردم خود و از به‌یغما رفتن همه تمدن، فرهنگ و ثروت کشور خود نمی‌خواهم بنویسم و از کسانی

نیز نمی‌نویسم که به گروه و طیف فکری خاصی منسوبند، از موضع سیاسی فرقه و گروه مشخصی طرفداری می‌کنند، با آنها در قدرت، حکومت و طرز تفکر شریک هستند و از طرف آنها نیز حمایت می‌شوند. آنها خود دلیل خاصی برای بی‌گناهی، عدم مسئولیت و توجیه نظریات خود خواهند داشت. من در طول حدود چهل ماه زندان شاهد سبکسری، خودسری و بلندپروازی‌های بیگانگانی بوده‌ام که به هیچ‌کس پاسخگو نیستند و هر تهمت دروغ را به هرکس که خودشان لازم بدانند، وارد می‌کنند و او را به همدردت که بخواهند و ضرورت داشته باشد نگهداشته، زندانی می‌کنند و در هر مکان و جایی که بخواهند می‌برند و هر حکمی را که خودشان صادر کنند، قانون دانسته، به آن عمل می‌کنند و به همه جهانیان به تمسخر جواب می‌دهند.

من شاهد مظلومیت جمعی بوده‌ام که هیچ فرد، مقام و ارگان دلسوزی نداشته‌اند و هیچ مسئولی برای آنها کاری انجام نداده است. هیچ‌کس دادرسی آنها در رفع بی‌عدالتی نبوده و هیچ حکومتی قدرت دفاع از حق آنها را نداشته است. هیچ غمخواری را در این جهان به جز درگاه خداوندی ندارند و

همه امیدشان فقط اوست. اگر انسان به خداوند مهربان باور داشته، «او» را حاضر و ناظر بداند و همه اعمال خود را به خاطر رضای حق تعالی انجام دهد، تحمل همه سختی‌ها برایش آسان خواهد شد، به خصوص اگر به صدق کلام و وعده‌های «او» یقین داشته باشد؛ چون حضرت حق اراده فرموده است که بر مستضعفان منت گذاشته، آنها را پیشوا و وارثان زمین قرار می‌دهد؛ و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین (قرآن، قصص: ۵).

من گوشه‌ای از این مظلومیت‌ها را شاهد بوده‌ام و تا جایی که حافظه‌ام و شرایط سیاسی و اجتماعی اجازه دهد و بتوانم در بیان این مظلومیت و روشن شدن اذهان جامعه خود بدون آنکه عواطف و احساسات آنها را جریحه دار کنم، به این موضوع خواهم پرداخت، اگرچه آنچه من از زندانبان‌ها و بعضی زندانبانان دیده، شنیده و با تمام وجود لمس کرده و در زندان‌های گوناگون تجربه کرده‌ام، فقط کسانی درک می‌کنند که مثل من بوده‌اند. با بیان، گفتار و نوشتار نمی‌توان آنها را مجسم کرد؛ زیرا کلمات از بیان آن همه رنج، درد، شکنجه و عذاب قاصرند و حروف و کلمات طاقت بیان و توان بازگویی آنها را ندارند. «از بیان بعضی فشارها و شکنجه‌های روحی و جسمی به دلیل بدمزگی آنها و بعضی افعال و حرکات زننده، زشت و دور از شأن انسانی و خلاف عفت زندانبان‌ها و برخی زندانبانان به دلیل حفظ و رعایت موازین اخلاقی و عفت کلام خودداری نموده، همچنین به علت برخی مسائل امنیتی و سیاسی پاره‌ای از مسائل را ناگفته خواهم گذاشت.»

«سیدمحمدعلی شاه موسوی گردیزی» نویسنده افغانستانی کتاب «حقایق ناگفته از زندان گوانتانامو» در حمله تروریستی به مسجد صاحب الزمان (عج) گردیز افغانستان (زادگاهش) به شهادت رسید.

دکتر سید محمدعلی شاه موسوی گردیزی، متولد ۱۳۳۸ در گردیز مرکز ولایت پکتیای افغانستان بود. دوران ابتدایی و متوسطه تحصیلی خود را در زادگاهش خواند. بعد از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسطه، با کسب نمره برتر استانی در کنکور سال ۱۳۵۶ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه کابل شد.

او در ایران با پیوستن به جهاد سازندگی قزوین، عازم ایران‌شهر می‌شود و ماه‌ها در آن دیار خدمت می‌کند. در سال ۱۳۵۹ به جهاد سازندگی اراک پیوسته و از آن طریق بارها به عنوان مسئول اورژانس در جبهه‌های جنگ علیه دشمن بعثی شرکت می‌کند. او بهار و تابستان در جبهه جهادی افغانستان می‌رزمید و با سرد شدن افغانستان در پاییز و زمستان برای شرکت در دفاع مقدس به ایران می‌آمد. بعد از پایان جنگ ایران در سال ۱۳۶۹ وارد دانشگاه علوم پزشکی تهران و در سال تحصیلی ۱۳۷۷-۱۳۷۸ موفق به دریافت دانشنامه دکترای پزشکی خود از این دانشگاه می‌شود.

دکتر محمد علی‌شاه در اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ به کشورش بازگشت و با کاندیداتوری در لویه جرگه (مجلس بزرگان) افغانستان، از طرف مردم زادگاهش به این مجلس راه یافت. این نماینده قانونی مردم افغانستان، بعد از سفر حج سال ۱۳۸۲ با برادرش در نیمه شب ۲۲ مرداد ۱۳۸۲ به اتهامات واهی توسط کوماندوهای آمریکا در خانه‌اش دستگیر و به